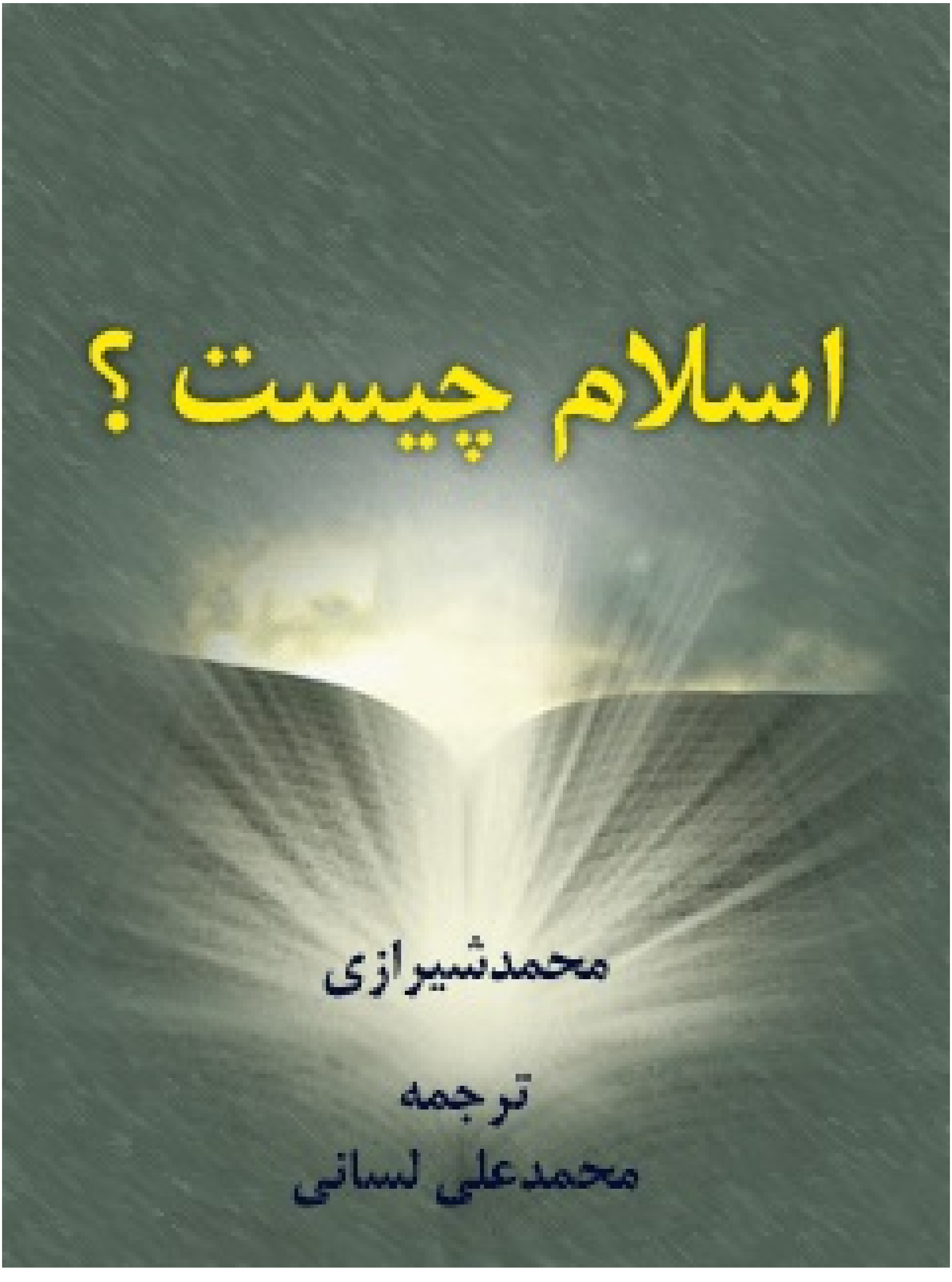

اسلام چیست ؟
محمدشیرازی
ترجمه
محمدعلی لسانی

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام چیست؟

نویسنده:

آیت الله العظمی سید محمد شیرازی (ره)

ناشر چاپی:

کانون نشر اندیشه‌های اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اسلام چیست؟

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی شیرازی محمد.
عنوان و نام پدیدآور : اسلام چیست / محمد شیرازی ؛ ترجمه محمدعلی لسانی
مشخصات نشر : قم کانون نشر اندیشه‌های اسلامی [۱۳۶۳؟].
مشخصات ظاهری : ۱۵۶ص.
شابک : ۱۱۰ریال
یادداشت : عنوان اصلی ما هو اسلام
یادداشت : کتابنامه به‌صورت زیرنویس
موضوع : اسلام -- بررسی و شناخت
شناسه افزوده : لسانی محمدعلی ۱۳۳۲ - ، مترجم
رده بندی کنگره : BP۸/ح۵م۲۰۴۱ ۱۳۶۳
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۰۷
شماره کتابشناسی ملی : م۶۳-۲۸۴۳

اشاره

تمام ادیان الهی دارای ریشه‌ای مشترک میباشند. ولی دین مبین اسلام کاملترین و آخرین دین الهی است که پیامبر عظیم الشأن اسلام با زحمات و مشتقات فراوان مبانی و أحکام این دین را برای انسانها بیان فرمودند. هرچند پیشرفت اسلام در جهان امروز بسیار سریع میباشد ولی بازهم در صورتیکه تبلیغات صحیحی راجع به اسلام انجام پذیرد و مردم جهان با این دین رحمت آشنا شوند در مدت کوتاهی بانگ الله اکبر تمامی کره ?زمین را دربر خواهد گرفت. در حدود چهل و اندی سال قبل حضرت آیت الله العظمی شیرازی برای آشنا ساختن غیر مسلمانان با مبانی اسلام کتاب ارزشمند و در عین حال مختصری نوشتند بنام: ما هو الاسلام؟ (اسلام چیست؟) که این کتاب بازبانی ساده و در سطح درک نسلهای گوناگون به رشته تحریر درآمده و در کمال سادگی و اختصار موضوعات مهمی را از عقائد گرفته تا اخلاقیات اسلامی مورد بحث قرار میدهد و تا کنون عده ?زیادی از غیر مسلمانان با خواندن این کتاب به دین مقدس اسلام مشرّف شده‌اند. امیدواریم این کتاب نیز مورد توجه و استفاده ?خوانندگان عزیز قرارگیرد.

مقدمه مترجم

مقدمه مترجم

کتاب حاضر، ترجمه یکی از دهها تألیف علامه بزرگوار حضرت آیت الله العظمی سید محمد شیرازی در زمینه اسلام‌شناسی است. بطوری کلی ویژگی تألیفات علامه بزرگوار، سادگی تعبیر و روشنی مفهوم و رسائی عبارات است. حضرت آیت الله، می‌خواهند با زبان نوشته‌هایشان با همه اقشار جامعه سخن بگویند، و به گروه خاصی توجه ندارند. مرجع بزرگوار اهمیتی نمی‌دهند که در

مجالس و محافل دینی و علمی و غیره از تألیفات ایشان سخنی به میان بیاید یا نیاید. آنچه در نظر ایشان مهم است آن است که اقشار مختلف جامعه بتوانند سخنشان را بفهمند، و از آن بهره‌مند شوند. علاوه بر این، کتاب، (ما هو الاسلام؟) که ترجمه آن اینک در دست شما است، امتیاز دیگری هم دارد. ایشان، در این کتاب به پاسخ جدیدترین پرسشهای مذهبی که افکار جوانان را بخود مشغول می‌دارد، پرداخته‌اند. روش مؤلف بزرگوار، در نگارش این کتاب این بوده است که سئوالات مورد نظر را عینا با همان ترتیب و با همان لحنی که معمول جوانان است. مطرح کنند، و با سبکی روان و بسیار ساده و همه کس فهم به پاسخ آنها همت گماشته‌اند. انگیزه تألیف کتاب حاضر، این بود که دو تن از خاورشناسان خارجی در محضر علامه بزرگوار، در پیرامون اسلام گفتگوی مفصلی داشتند. حضرت آیت الله از آنان پرسیدند که، چرا عزم خودشان را جزم نمی‌کنند و به اسلام نمی‌گروند؟! جواب این بود که گفتند: ما تاکنون به کتاب مختصر و کاملی در باره عقاید و معارف و احکام اسلام دست نیافته‌ایم، تا با مطالعه آن یک دل شویم، و آگاهانه به اسلام بگرویم. ما توانایی آن را نداریم که کتابهای مفصلی را که در زمینه معارف اسلامی نوشته شده است بخوانیم! علامه بزرگوار، این کتاب را برای پاسخگوئی به نیاز اینگونه افراد، نگاشتند. و ناگفته پیدا است که پاسخگوی این نیاز بوده و در نوع خود از کتب بسیار ارزنده است. در اینجا، بی‌مناسبت نیست به این موضوع هم اشاره کنیم که امروزه یکی از مهمترین کمبودهای ما مسلمانان این است که در عرضه کردن اسلام به بازار افکار و عقاید جهان تعلل می‌ورزیم. در دنیائی که مردم از شدت پریشانی و نابسامانی فکری به افسانه‌ها و خرافات روی می‌آورند، مسلم است که اگر ما اسلام را به زبان ساده و همه کس فهم عرضه می‌کردیم، تشنگان حق و حقیقت مشتاقانه به طرفش می‌شتافتند، و از زلال معارفش سیراب می‌شدند. حلقه مفقوده میان ما و جهان، جهان تشنه ارزش‌ها و خسته و افسرده از تاریکیها که در پس دهای ظلمت، در انتظار نشسته‌اند، فقط و فقط عرضه کردن اسلام است. شگفتا! پیروان دیگر ادیان و مذاهب، لحظه‌ای از تبلیغ افکار و عقاید شان فروگذار نمی‌کنند. اما، مسلمانان نه قاعدتاً باید نقش حساستری در این زمینه داشته باشند، زیرا یقین دارند که دین اسلام برترین مذهب و دینی آسمانی است، ولی به تبلیغ و ترویج دینشان توجهی ندارند! معلوم نیست، چرا مسلمانان از کلماتی که از ریشه (بلغ) در متجاوز از بیست موضع در قرآن کریم آمده است، الهام نمی‌گیرند؟ و از طرق گوناگون به تبلیغ اسلام نمی‌پردازند؟! کتاب حاضر، گامی بلند، در این راه است. مؤلف کتاب از مراجع بزرگ شیعه می‌باشند. نیم نگاهی به آثار و تألیفات ایشان در فقه و اصول، عظمت مقام علمی ایشان را آشکار می‌گرداند. مؤلف بزرگوار، در فلسفه و حکمت اسلامی نیز تألیفات متعددی دارند. و تا کنون از آثار معظم‌له، صد و پنجاه اثر به چاپ رسیده است. از سوی دیگر، زندگی پرتلاش ایشان به خودی خود کتاب نانوشته‌ای است سزاوار مطالعه! کوششهای پیگیر، فعالیتهای گوناگون، برنامه‌های مرتب علمی و عملی، غنیمت شمردن کوچکترین فرصتهای زندگی، مجسمه مشهودی است از اشعار همیشگی حضرت آیت الله می‌فرمایند: (اعمل ثم اعمل ثم اعمل... بکوش! بکوش! باز هم بکوش! تا خداوند از تو خشنود گردد، و شاید توانسته باشی بخشی از وظائف خود را در برابر رسالت و رسول و امت اسلام به انجام رسانیده باشی.

محمد علی لسانی

مقدمه مؤلف

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین، والصلوة والسلام علی محمد و آله الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم الی قیام

یوم‌الدّین در دنیای امروز، که جنجال ماشین و صنعت، جان مردم را به لب رسانیده، و کابوس نگرانی و نومیدی بر دلها سایه افکنده، و آسایش و آرامش از جهان رخت بر بسته و آتش انقلاب و جنگ همه جارا فرا گرفته و همه جهانیان را به تنگ آورده، و ثبات و امنیت را از همه سلب کرده است، مردم در پی یافتن راه فراری بر آمده‌اند. در جستجوی آرامش و اطمینان خاطرند. داروئی می‌طلبند که بتواند این بیماری عالمگیر را درمان کند و درد و رنج را از صفحه گیتی براندازد. از مدتها پیش، در این اندیشه بودم که اگر مردم به اسلام آنگونه که خدای آسمان نازل فرموده عمل می‌کردند همه دردهای بی‌درمان علاج می‌یافت و پریشانی و بی و سروسامانی و بیماری و سرگردانی از میان می‌رفت. اسلام زندگی بخش است، نور است، آرامش و صلح است. خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: (اذا دعاکم لما یحییکم)(۱)، (و انزلنا الیکم نورا مبینا)(۲)، (الا بذکر الله تطمئن القلوب)(۳)، (یهدی به الله من اتبع رضوانه سبل السلام)(۴). اسلام قادر است همه مشکلات زندگی را حل کند. خداوند متعال می‌فرماید: (و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم إصرهم والاغلال التی کانت علیهم)(۵). پیامبر اسلام، آنچه پاکیزه است برای مردم حلال می‌کند، و آنچه پلید است حرام می‌گرداند، و بار سنگین مشکلات را از دوش انسان بر می‌دارد، و زنجیرهای اسارت و بدبختی را از دست و پایشان می‌گشاید. اما، بسیاری از مسلمانان بی‌خبر از این واقعیت اند دیگر چه رسد به غیر مسلمانان. از این رو، مسلمانان مانند کسی که روی گنجی نشسته و از گرسنگی بخود می‌پیچد، و از برهنگی می‌نالد و از بدبختی هلاک می‌شود، با آنکه گوهر گرانبهای اسلام را در دست دارند، با این همه نابسامانی و بیچارگی دست به گریبان اند. بنا بر این، باید مردم را با اسلام آشنا ساخت، و اسلام را به مردم شناسانید، تا به اسلام بگروند و در دنیا خوشبخت زیست کنند و در آخرت به بهشت درآیند، و از نعمتهای فردوس برین که به وسعت آسمانها و زمین است، برخوردار شوند. این بود. انگیزه من برای نگارش این کتاب با عنوان اسلام چیست؟ (و چون منظور از تألیف آن، فقط شناسانیدن) اسلام بود، از هر جهت به اختصار برگزار کردم، تا مطالعه‌اش برای همه مردم میسر باشد، و از خداوند سبحان مسئلت دارم که این عمل را مورد رضای خویش قرار دهد، و این اثر را وسیله هدایت مردم گرداند. و هو الموفق المستعان.

کربلاء المقدسه محمد

۱ ـ سوره انفال: آیه ۲۴. ۲ ـ سوره نساء: آیه ۱۷۴. ۳ ـ سوره رعد: آیه ۲۸. ۴ ـ مائده: آیه ۱۶. ۵ ـ سوره اعراف: آیه ۱۵۷.

تعریف اسلام

تعریف اسلام

س: اسلام چیست؟ ج: اسلام عبارت است از یک سلسله عقاید و احکام که پاسخگوی همه نیازهای بشر، در کلیه مراحل زندگی می‌باشد. س: بنیانگذار مکتب اسلام کیست؟ ج: اسلام، زاییده فکر بشر نیست. خداوند متعال، اسلام را کامل و بدون کم و کاست، برای جهانیان نازل فرموده است. س: آیا اسلام می‌تواند برای همیشه پایدار بماند؟ و در هر زمان و مکان قابل پیاده شدن است؟ و بدرد هر ملتی می‌خورد؟ ج: خداوند متعال، اسلام را طوری قرار داده است که می‌تواند در همه اعصار و قرون، در سرتاسر پهنه زمین، دین تمامی ملتهای جهان باشد. س: آورنده اسلام کیست؟ ج: خداوند، رسالت اسلام را بر عهده آخرین پیامبرش حضرت محمد (ص) قرار داده است. س: پیغمبر اسلام در چه زمانی می‌زیسته است؟ ج: چهارده قرن پیش. شش قرن پس از میلاد مسیح (ع)

امسال که سال۱۳۹۹ هجری قمری مطابق با۱۹۷۹ میلادی(۱) است. یک هزارو چهارصد و دوازده سال از عمر اسلام می گذرد. س: دین اسلام با دین عیسی و دین موسی و دیگران چه فرقی دارد؟ ج: ادیان آسمانی بسیارند. هر دینی متناسب با زمان تشریع خودش بوده است، و همیشه با آمدن دین بعدی، دین قبلی منسوخ می‌شده است، و اسلام آخرین دین آسمانی و آخرین چراغ هدایت بشر است. فرق بین ادیان، درست مانند فرق بین مدارج تحصیلی، ابتدائی، متوسطه و دانشگاهی است. جوامع بشری نیز همچنانکه در طی اعصار و قرون، مراحل ترقی و تکامل را می‌پیموده‌اند، دین کاملتری برای هدایت آنان می‌آمده است که با سطح فکر و نوع زندگی آنان متناسب باشد، تا آنکه نوبت به اسلام رسیده است که دین همیشگی بشر است. به عبارت دیگر، ادیان آسمانی در اصل باهم اختلافی ندارند. آنچه اختلاف بین ادیان به حساب می‌آید، چیزی جز تفاوت بعضی فروع یک دین با دین دیگرنمی تواند باشد که آن هم مربوط به تغییر روش زندگی و تحول جوامع بشری است. س: آیا در اسلام تحول و تکاملی وجود دارد؟ ج: اسلام دو جنبه دارد و شامل دو نوع قواعد و قوانین است: اول، قواعد ثابت اسلام، که تحول در آنها راه ندارد، و اگر تغییر و تبدیل پیدا کنند، هلاکت و فساد ببار خواهند آورد، مانند: خوب بودن، راستگوئی و امانت داری، زشت بودن ظلم و بخل، حرام بودن احتکار و قتل، واجب بودن نماز و روزه، لازم بودن، رضایت طرفین در معامله. دوم، قوانین متحول اسلام، که قابل تغییر و تبدیل هستند، و مبنای تشخیص این قوانین، یک سلسله قواعد کلی است که اسلام وضع کرده است و در هر زمان با توجه به تحولات جوامع بشری و پیشرفتهای علمی و تغییر روش زندگی افراد بشر، حکم اسلام را در باره هرچیز تعیین می کنند. مثلاً، وقتی وسیله نقلیه از چارپا به ارابه، به اتومبیل، به قطار، به هواپیما و به غیره تبدیل می‌شود، یا وسیله روشنائی از شمع به پیه‌سوز، به برق، به انرژی اتمی و به غیره تکامل پیدا می کند، اسلام نه تنها با این تحول نظر مساعد نشان می‌دهد، بلکه بشر را برای طی مراحل تکامل زندگی مادی، تشویق نیز می کند. س: آیا اسلام پاسخگوی همه نیازهای بشر هست؟ چگونه؟ ج: البته! اسلام، کلیه نیازهای فرد و جامعه را مرتفع می‌سازد اما، چگونه؟ قرآن کریم و سنت پیغمبر (ص)، دو نوع احکام و مقررات تشریع کرده‌اند: اول، احکامی که اختصاص به یک موضوع بخصوص دارد، مانند: حرام بودن شرابخواری. دوم، احکامی که عمومیت دارد و کلیه موارد را شامل می‌شود، مانند: حرام بودن استعمال هرنوع ماده مست کننده. س: از کجا می گوئید اسلام پاسخگوی همه نیازهای بشری است؟ بسیاری پدیده‌ها نوظهور هستند که در قرآن و سنت، حتی نامی از آنها به میان نیامده است، مانند: بانک و بیمه که در هنگام نزول قرآن و آغاز رسالت اسلام مردم نام آن را هم نشنیده بودند. ج: اسلام دین خدا است و مشیت خداوند برآن قرار گرفته است که تا ابد بشر را بوسیله این دین هدایت فرماید، و علم خداوند بر همه چیز احاطه دارد. بنا بر این، ما معتقدیم که اسلام پاسخگوی همه نیازهای بشر است، حتی در مورد پدیده‌های به قول شما نوظهور! همین دو مثال که شما ذکر کردید. اسلام ضمن قوانین کلی، حکم خود را در باره هردوی آنها صادر کرده است. مگر بانک غیر از مجموعه خدماتی مانند وام، ضمانت، حواله و از این قبیل است که اسلام جزء به جزء، احکام مربوط به آنها را بیان کرده است. بیمه هم، یکی ازمصادیق آیه شریفه قرآن کریم: (الا ان تکون تجارهٔ عن تراض منکم)(۲) است، که هرگونه داد و ستد را با رضایت طرفین صحیح می‌داند، و مشمول قاعده کلی: (اوفوا بالعقود) است. که اجرای هرگونه قراردادی را با شرائط مذکور در فقه اسلام واجب می گرداند. س: انسان، چه احتیاجی به اسلام دارد؟ ج: اسلام عبارت است از عقاید و احکام. اصول عقاید اسلام، حقیقت‌اند، و هرکس از حقیقت رو گردان باشد، خرافاتی است. از طرف دیگر، اعتقاد نداشتن به اصول عقاید اسلام، باعث محرومیت آدمی از رستگاری آخرت می‌باشد. احکام اسلام را اگر کسی گردن ننهد، با دست خود، زندگی دنیایش را خراب‌کرده است، تکلیف آخرتش هم که معلوم است. شریعت اسلام بر همه نظام‌ها و قوانین‌ها برتری دارد قوانین اسلام، همه جا و همه وقت با مراحل مختلف زندگی انسانها قابل تطبیق است. به عبارت دیگر، باید گفت: خوشبختی برای انسان جز در سایه تعالیم عالیه اسلام، مفهومی ندارد. س: اولاً، از کجا بفهمیم که غیر از این جهان که در آن زندگی می کنیم، جهان دیگری هم هست که آخرت نام دارد و لازمه سعادت انسان در آن جهان، اعتقاد و عمل به اسلام است؟ ثانیا، به چه دلیل شریعت اسلام از

دیگر نظام‌ها و قوانین بشری بهتر است و با اوضاع و احوال زندگی انسانها سازگارتر است؟ ج: در مورد اینکه، از پس این جهان که در آن بسر می‌بریم جهان دیگری هم هست، دلایل بسیاری وجود دارد، و بحث و استدلال پیرامون آن یک رشته از علوم اسلامی بنام علم کلام را تشکیل می‌دهد. از نظر علوم روز هم تحقیقات روانشناسی در زمینه‌های تنویم مغناطیسی و احضار ارواح و غیره، جاودانگی روح را پس از مرگ به اثبات رسانیده است(۳). اما، اینکه شریعت اسلام از همه نظامهای حقوقی و قوانین بشری بهتر است، با مقایسه احکام و قوانین اسلام با دیگر سیستم‌های حقوقی و قضائی و قوانین ساخته اندیشه بشر که برای رفع نیازهای گوناگون انسانها تدوین شده‌اند روشن می‌شود(۴). بد نیست بدانید که دانشمندان غربی، با آنکه مسلمان نبوده‌اند، هرکدام با زبان علمی خودشان و با تعبیر مخصوص خودشان عظمت اسلام را ستوده‌اند و به برتری آن بر سایر ادیان، اعتراف کرده‌اند، از جمله: برناردشاو می‌گوید: (ای کاش اروپا زمامداری مانند محمد می‌داشت، تا همه دردهای آن را یکجا درمان کند. محمد را باید منجی بشریت دانست من معتقدم دین محمد تنها دینی است که همه شرایط لازم را دارا است، و با همه مراحل گوناگون زندگی سازگار است من پیش بینی می‌کنم که اروپای فردا دین محمد را خواهد پذیرفت. اروپای امروز هم کم و بیش اسلام را پذیرفته است وه که دنیای امروز تا چه حد به وجود مردی همانند محمد نیازمند است، که همه مشکلاتی جهان را حل کند!) دکتر گرینه فرانسوی می‌گوید: (من همه آیات قرآن را که با علوم طبیعی و بهداشتی و پزشکی که از آغاز دوران تحصیل خوانده بودم، بررسی کردم و دریافتم که با شناخت‌های علمی جدید، کاملاً انطباق دارد و در ارتباط هستند، من وقتی دریافتم که محمد بدون آنکه نزد کسی تعلیم گرفته یا درس خوانده باشد، بیش از هزاران سال پیش این سخنان را فرموده است مسلمان شدم. من اطمینان دارم هرکس که در هر رشته‌ای از علوم تخصص دارد، اگر کاری را که من کردم بکند، یعنی آیات قرآن را که به تخصص وی مربوط می‌شوند. مورد مطالعه و مقایسه قرار دهد، بی‌تردید اسلام خواهد آورد. البته اگر خردمندانه و بی‌غرض، در میدان تحقیق گام گذارد. مارکس دکتر در فلسفه می‌گوید: (محمد نخستین پیامبری است که همه سخنانش ثبت و ضبط شده است. از اینجا، می‌توان به موقعیت ممتازی که محمد دارد پی برد و راستی و درستی و بی‌کم و کاستی احادیث وی را دریافت. این یک حقیقت مسلم است که رسالت محمد این بوده است که جهانیان را با چکیده معارف ادیان گذشته آشنا سازد، و ادیان آسمانی را جلوه‌ای نوین بخشد. رسالت محمد، تنها قانون تغییرناپذیر جهان است و تمامی دستاوردهای دین محمد با افکار جدید سازگار می‌آید). شیریل رئیس دانشکده حقوق دانشگاه وین می‌گوید: (جهان بشریت به خاطر آنکه مردی بزرگ همانند محمد به آن منسوب است، افتخار می‌کند. وی با آنکه درس نخوانده بود. توانست بیش از چهارده قرن پیش، شریعتی را بنیان نهد که ما اروپاییها اگر طی دو هزار سال بتوانیم به اوج معارفش راه یابیم خشنود خواهیم شد. دکتر ریسین مورخ می‌گوید: (دین محمد از همان نخستین ساعتی که در زمان پیغمبر ظهور کرد، بر این نکته تأکید داشت که یک دین جهانی است. دین اسلام برای همه نژادهای بشری آمده است، و با هر سطح فکری سازگار است، و در همه جوامع بشری در هر مرحله‌ای از تمدن که باشند، قابل پیاده شدن است). فیلسوف کرللس اول می‌گوید: (در شرق، قانونی وجود دارد که محمد فیلسوف عرب، آن را تدوین کرده و پایه‌گذاری کرده است. اگر همه مردم جهان از این فیلسوف عرب پیروی می‌کردند، و به قانون وی گردن می‌نهادند. در سراسر جهان بیش از یک حکومت وجود نمی‌داشت، و حتی دو نفر باهم اختلاف پیدا نمی‌کردند، و کسی برکسی نیازمند نمی‌شد). س: آمار مسلمانان جهان در حال حاضر چقدر است؟ ج: دقیقا معلوم نیست. آمارهایی که برخی کتابها و مجلات بدست داده‌اند، رقمی نزدیک به هشتصد میلیون (۸۰۰،۰۰۰،۰۰۰) نفر را نشان می‌دهد(۵). س: مسلمانان در کجا ساکنند؟ ج: مسلمانان، تقریبا، در همه کشورهای جهان، پراکنده‌اند و بیشترشان در آسیا و آفریقا بسر می‌برند. س: آیا مسلمانان عقیده دارند که دینشان دین جهانی خواهد گردید؟ ج: آری، مسلمانان معتقدند که دینشان دین همه جهانیان خواهد شد و یک نفر غیر مسلمان برجای نخواهد ماند. قرآن کریم وعده فرموده است که: دین اسلام را بر همه ادیان غلبه خواهد داد: (لیظهره علی الدین کله). در احادیث متواتر از پیغمبر (ص) و ائمه اطهار (ع) آمده است که در آخرالزمان

مردی از دودمـان پیغمبر اسـلام به نـام مهـدی ظهور می‌کنـد و اسـلام را در پهنه زمین، عالمگیر می‌گردانـد. س: نظر اسـلام راجع به زندگی دنیا چیست؟ آیا اسلام به جسم توجه دارد یا به روح نظر دارد، یا به هردو؟ ج: نظریه اسلام در باره زندگی و جسم و جان و ماده و روح، در این آیه شـریفه قرآن کریم خلاصه می‌شود: (و منهم من یقول ربنا آتنا فی‌الدنیا حسـنهٔ و فی‌الآخرهٔ حسنه و قنا عذاب النار اولئك لهم نصیب مما کسبوا)(۶) یعنی: و بعضـی از مردمان سخنشان این است که پروردگارا در دنیا به ما نیکی عطا کن، و در آخرت به ما نیکی عطا کن، و ما را از آتش دوزخ نگاهدار. هم اینانند که بهره کاملی از تلاش خویش می‌گیرند. در حدیث شریف آمـده است: (لیس منـا من ترك دنیـاه لاـخرته، و لیس منـا من ترك آخرته لـدنیاه) یعنی: از مـا نیست کسـی که دنیایش را به خاطر آخرتش ترك گویـد، و از ما نیست کسـی آخرتش را به خاطر دنیایش ترك گویـد! در حـدیث دیگر آمـده است: (اعمل لـدنیاك کأنك تعیش ابـدا، و اعمل لآخرتك کأنك تموت غـدا) یعنی: برای دنیایت چنان بکوش و تلاش کن که گویی تا ابد زنده خواهی ماند، و برای آخرتت چنان بکوش و تلاش کن که گویی فردا خواهی مرد!(۷).

۱ ـ در متـن عربی:۱۳۸۷ هجری قمری، مطـابق با۱۹۶۷ میلادی. ۲ ـ سـوره نسـاء: آیه ۲۹. ۳ ـ مؤلف بزرگوار در هریـك از مبـاحث اعتقادی کتابهای مسـتقلی تألیف فرمودهانـد، از جمله رجوع شود به (العقائـد الاسـلامیه) و (کیف عرفت الله) و (هل تحب معرفهٔ الله) که ترجمه آنها به نامهای عقایـد اسـلامی، آفریـدگار جهان و یکتا خدای جهان آفرین منتشر شده است. ناشـر. ۴ ـ به عنـوان نمونـه، رجوع شـود به کتـاب (نظـام حقوق زن در اسـلام) اثر اسـتاد شـهید علامه مجاهـد حاج شـیخ مرتضـی مطهری (ره). ۵ ـ طبـق برخی آمارهـای اخیر، در حال حاضـر مسـلمانان جهان بالغ بر دومیلیارد نفر میباشـند. ۶ ـ سـوره بقره: آیه ۲۰۱ ـ ۲۰۲. ۷ ـ این علامـت، در مواردی به کـار رفته است که یکی دو سـطر عبـارت یـا شـعر عربی که بـا متن عربی کتـاب سازگارتر بوده است، در ترجمه فارسـی حذف شده است.

اصول عقاید اسلام

اصول عقاید اسلام

س: اصول عقاید اسلام کدامند؟ ج: اصول عقاید اسلام شامل سه اصل است(۱) که اعتقاد به آنها لازمه‌اش اعتقاد به چند اصل دیگر نیز می‌باشـد. س: آن سه اصـل که اصول دین هسـتند کدامنـد؟ ج: اصـل اول. اعتقـاد به این است که جهان خـدایی دارد دانا، توانا، حکیم، شـنوا و بینـا. از ازل بوده است و تـا ابـد هم خواهـد بود. همه صـفات کمـال را داراست، و از هر نقص و عیب مبرا است. این خدای یگانه، شریك ندارد و همانند هیچیك از آفریدگانش نیست. اورا نمی‌توان با چشم سر دید، نه در دنیا و نه در آخرت و فقط از راه دلیـل و برهـان است که می‌توان فهمیـد، او هست و یکتا است. س: توحیـد یعنی چه؟ ج: توحیـد چهار گونه است: ۱ ـ توحید ذات. یعنی: خداونـد سـبحان یکتـا و بی‌همتا است و ترکیب یافته از اجزاء نیست، مثلاًماننـد انسان از ترکیب جسم و جان، و دست و پا، سـر و گوش و غیره درست نشده است. ۲ ـ توحید صـفات یعنی: صفات خداوند عین ذات او است. ذات و صفات خداوند از هم جدا نیسـتند. خداوند سبحان مانند انسان نیست که علمش غیر از خودش باشد. قدرتش غیر ازخودش باشد! ذات خداوند متعال عین علـم و عین قـدرت اوست. ۳ ـ توحیـد افعـال. یعنی: آنچه در جهـان آفرینش است، آفریـده خداونـد متعال است. ۴ ـ توحیـد عبادت. یعنی: عبادت و بنـدگی سـزاوار جز خداونـد نیست. س: اصل دوم از اصول عقایـد اسـلام چیست؟ ج: نبوت. یعنی: خداونـد سـبحان پیامبرانی را برای هـدایت بشـر به حق و حقیقت، و نمایانـدن راه راست به انسانها فرسـتاده است. س: نخستین پیامبر الهی کیست؟ ج:

نخستین پیامبر الهی، حضرت آدم (ع) است که خداونـد سبحان او را از گل آفریـد و سپس همسـرش حواء را بیافرید و به آنان دو فرزنـد عطا کرد: هابیل و قابیل، و برای همسـری آنان دو دختر نه از نسل آدم و حوا، بلکه به صورت خلق ابتـدائی آفریـد و هابیل و قابیل با آن دو دختر ازدواج کردند و فرزندانی بهم رسانیدند. از آن پس، ازدواج میان دختر عموها و پسر عموها شروع شد و نسل بشـر رو به ازدیاد گذاشت. س: آخرین پیامبر الهی کیست؟ ج: آخرین پیامبر الهی، پیامبر اسلام محمد (ص) است. س: پیامبران چند نفر بوده‌اند؟ ج:۱۲۴۰۰۰ نفر، که از میـان آنـان نوح و ابراهیم و موسـی و عیسـی و پیـامبر اسـلام برتر از دیگر پیامبران بوده‌انـد. س: پیامبران با دیگر افراد بشـر چه فرقی دارنـد؟ ج: فرقشان این است که به پیامبران، از جانب خداونـد متعال وحی می‌رسد و از خداوند فرمانهایی دریافت می‌کنند، یا برای خودشان، یا برای تبلیغ مردم اما، دیگر افراد بشـر به وحی الهی دسترسی ندارند و باید از پیامبران پیروی کننـد. س: از کجـا می‌توان فهمیـد کسـی که ادعای پیغمبری می‌کنـد، راست می‌گویـد؟ ج: با معجزه. معجزه عبارت است از انجام کاری غیر عادی به دست پیامبر که نشانه آن است که وی از جانب خداونـد متعال آمـده است وگرنه نمی‌توانست چنان عملی را انجـام دهـد. س: مثـال بزنیـد. ج: مثلاً، ابراهیم (ع) را در آتش افکندنـد، نسوخت. موسـی (ع) عصـایش را می‌انـداخت، اژدهـای بزرگی می‌شد، و وقتی آن را باز می‌گرفت، به حالت اولیه‌اش بر می‌گشت. عیسی (ع) به اذن خداوند کور مادرزاد و لک و پیس را شفـا می‌داد و مردگـان را زنـده می‌کرد. محمـد (ص) مـاه را دو نیـم کرد، و قرآن کریـم را آورد کـه جن و انس از آوردن نظیر آن عاجز ماندند. س: چگونه؟ ج: خداوند متعال، ابتدا برای اثبات حقانیت قرآن کریم و صدق گفتار پیغمبر اکر (ص) از مردم خواست کتـاب کاملی نظیر قرآن بیاورنـد(۲). وقتی برایشـان مسلم شـد که نمی‌تواننـد، از آنـان خواست که ده سورهماننـد سوره‌هـای قرآن بیاورند(۳). بـاز هم بر ایشـان بطور قطع روشن شـد که نمی‌تواننـد، آن وقت از آنان خواست که دست کم یک سوره ماننـد یکی از سوره‌های قرآن بیاورند(۴). اما باز هم با آنکه معاصـران پیغمبر اکرم همه فصیح و بلیغ بودند و در شعر و شاعری و خطابه و بیان، به اوج زبان آوری رسیده بودند، نتوانستند سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن بیاورند، حتی کوتاهترین سوره قرآن، سوره کوثر(۵): (بسم الله الرحمن الرحیم انـا اعطیناک الکوثر، فصل لربک وانحر، ان شانئک هو الابتر). و کارشان به پیکار و کارزار با پیغمبر اسـلام کشـید. س: پیامبران چه صفاتی دارند؟ ج: پیامبران و امامان مانند فرشتگان دارای صفت عصمت اند. یعنی: از آغاز تا پایان عمرشان هیچگاه از فرمان خداوند سرپیچی نمی‌کنند. آنان عظمت خداوند را آنچنان درک کرده‌اند و زشتی معصیت را آنچنان دریافته‌اند، که نمی‌توانند معصـیت کنند. پیامبران و امامان، همه فضائل اخلاقی را دارا هستند مانند: شجاعت، سخاوت، غیرت، شهامت و غیره و از همه رذائـل اخلاقی نیز بدورنـد. پیامبران و امامان، بایـد از همه اهل زمانشان و معاصـرانشان برتر باشـند، تا پیروی از آنان بر مردم واجب شود. س: آیـا پیـامبران و امامـان دارای جنبه الوهیت انـد، چنانکه مسیحیان به عیسـی (ع) نسبت می‌دهنـد؟ ج: نه! پیامبران و امامـان بشـرند. تنهـا تفـاوتی که بـا دیگران دارنـد این است که از سوی خداونـد متعـال به پیـامبران وحی می‌رسـد. پیامبران و امامان معصوم اند. دیگر صـفات نیک را نیز دارا هسـتند. عیسـی مسیح (ع) هم یک انسان بود که خداوند سبحان او را از مادر و بدون پدر آفرید، همچنانکه آدم و حواء را بدون پدر و مادر آفریده بود. س: اصل سوم ازاصول عقاید اسـلام چیست؟ ج: معاد. یعنی: خداوند سبحان پس از فانی شـدن جهان و مرگ همه جانـداران، مردم را بار دیگر زنـده می‌کند تا پاداش اعمالشان در دنیا را به آنان بدهد، هرکه اهل ایمان و عمل صالـح بوده باشـد پاداشـش بهشت است. و هرکه کافر و گهنکار بوده باشد، آتش دوزخ در انتظار او است. س: بسیاری مردم از دین اسـلام بی‌خبرند، و دسترسی به درک حقایق ندارند. یا بعلت کمی فهم و درکشان مانند دیوانگان و ابلهان و یا به علت اینکه از مراکز دینی و مذهبی دورند، از حقایق بی‌خبرند. آیا اینان هم کافر محسوب می‌شوند و اهل آتش‌اند؟ ج: نه، تا کسـی حجت بر او تمـام نشـده باشـد به آتش دوزخ گرفتـار نمی‌شود. دیوانگـان و بی‌خبران و کسـانی که در گوشه و کنـار جهـان، دسـتشان از فهم و درک حقایق کوتاه است، در روز محشـر آزمایش می‌شوند. هرکس از عهده آزمایش برآمد به بهشت می‌رود، و هرکس نتوانست از عهـده برآید، به دوزخ رانده می‌شود. س: آیا انسان که می‌میرد، بکلی از میان می‌رود و با فرا رسـیدن قیامت بار

دیگر زنـده می‌شود؟ ج: نه، وقتی انسان می‌میرد جسـدش می‌پوسـد و از میان می‌رود و روح انسان همچنان زنـده می‌ماند. اگر مؤمن بوده باشـد، و در دنیا کارهای نیک کرده باشـد، پس از مرگ در ناز و نعمت خواهـد بود، و اگر کافر و تبهکار بوده باشـد، روح او پس از مرگ دچار عـذاب خواهـد گردیـد. س: نام این عالم پس از عالم دنیا و پیش از عالم قیامت چیست؟ ج: این عالم، برزخ نام دارد. بطور کلی، انسان از آغاز تا پایان سیر تکاملی خویش از شش عالم می گذرد: ۱ ـ عالم پیش از انسان شدن. هر انسانی در آغاز خاك بوده، سپس گیاه شده و سپس حیوان شده و پدر و مادرش از آن گیاه و گوشت خورده‌اند و نطفه او بسته شده است. ۲ ـ عالم انسانی. که با بسته شـدن نطفه در رحم مادر آغاز می‌شود و با ورود انسان به دنیا تولـد می‌انجامد. ۳ ـ عـالم دنیا. که ما هم‌اکنون در آن بسر می‌بریم و تکالیفی داریم و عمل به این تکالیف، سرنوشت ما را مشخص می‌سازد. ۴ ـ عالم برزخ. ۵ ـ عالم قیامت. که بنا به گفته قرآن کریم پنجاه هزار سال است(۶). ۶ ـ عـالم بهشت و جهنم. س: آیـا دلیلی برای بقـای روح وجـود دارد؟ ج: امروزه دیگر بحـث و تحقیــق پیرامـون بقــای روح، در ردیـف علـوم تجربی قرار گرفتـه و در کشورهــای غربی و جاهــای دیگر، مراکز علمی و تحقیقـاتی ویژه‌ای برای این منظـور وجـود دارد. در علوم اسـلامی هم، علم کلاـم به جوابگویی از اینگونه اشـکالات واسـتدلال برای اثبات عقایـد اسـلامی، از جمله بقای روح پس از مرگ اختصاص دارد(۷). س: بهشـت چیست؟ ج: بهشت محلی است که خـداوند سبحان برای مؤمنان و نیکوکاران مهیا ساخته است و انسان پس از آنکه روحش به همین بدن دنیوی بازگشت، وارد بهشت می‌شود. در بهشت، همه گونه نعمت‌هـا وجود دارد: باغهای گل، کاخها، هوای تمیز، سـلامت بـدن، همسـران پیراسـته و آراسـته، خوراکهای لذیـذ و شـرابهای گوارا. وقتی انسان وارد بهشت می‌شود، تا ابد در آنجا، جاودانه خواهد ماند. در بهشت، چیزهایی که به خوشـی و شادکامی انسان لطمه بزند، مانند فقر، بیماری، درد، حسد، مصیبت، ستم، ضعف، گرسنگی، برهنگی، تشنگی، اندوه، دشمنی و کینه وجود نـدارد. اهل بهشت، همیشه جواننـد و سـرخوش و سـرمست. بهشت بسـیار وسیع است. هر نفر از اهل بهشت در آنجا می‌تواند مالك قسـمتی از بهشت باشد که از همه دنیا بزرگتر است. دسـته‌هایی از ملائکه در اختیار او هستند. از همه مهمتر، خداوند از انسان راضـی است: (و رضوان من الله اکبر)(۸). بنـا براین، انسان بایـد در سراسـر دقایق و لحظات عمر خویش، تلاش کنـد و توشه آخرت فراهم سازد، و از دنیا به قـدر کفایت بهره‌منـد شود و دنبال کفر و معصـیت نرود. تا این همه پاداش اخروی و نعمت ابدی از دسـتش نرود. س: جهنـم چیسـت؟ ج: جهنم نقطه مقابـل بهشت است جهنم را خداونـد برای کـافران و گناهکـاران قرار داده است. در جهنم انواع بـدبختی‌ها، دردهـا، رنجهـای روحی و جسـمی وجود دارد. انسـان، در جهنم، همواره در شـکنجه و عـذاب است و زنجیرهـای آتشـین لحظه‌ای او را راحت نمی گذارنـد. آتش جهنم تـا ابـد خاموش نمی‌شود. اهل جهنم در ذلت و خواری بسـر می‌برنـد، و چون خداونـد متعـال مقرر فرمـوده است که اهـل جهنم به عـذاب ابـدی گرفتـار باشـند، در جهنم مرگ هم وجود نـدارد: (کلمـا نضـجت جلودهم بدلناهم جلودا غیرها)(۹) یعنی: هرگاه که پوست بدنشان در آتش جهنم می‌سوزد، پوست نو روی بدنشان می‌رویانیم! بنا بر این، انسان بایـد در این جهان تمام توان خود را بکار گیرد و بکوشـد تا در شـمار اهل جهنم قرار نگیرد. جهنم جایگاه کسانی اسـت که بر کارهای زشت اصـرار می‌ورزیده‌انـد، و چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: (ولو ردوا لعادوا لما نهوا عنه)(۱۰) اگر از آن جهان بار دیگر نیز بر این جهان باز گردنـد، با آنکه عـذاب خداوند را از نزدیک دیده‌اند باز هم به نافرمانی ادامه خواهند داد! س: قیامت چیست؟ ج: انسان، پس از مرگ مدت زیادی در عالم برزخ بسر می‌برد تا قیامت فرا رسد و خداوند متعال او را زنده گردانـد. در صـحرای محشـر، همه مردم جمع می‌شونـد. نـامه عمـل هرکس به دست خودش داده می‌شود. تمـامی اعمـال نیک و بد شخص در نـامه عملش ثبت شـده است: (فمن یعمـل مثقـال ذرهٔ خیراً یره و من یعمـل مثقال ذرهٔ شـراً یره)(۱۱). وقتی آدمی در نـامه عملش نظر می‌افکنـد و کوچک و بزرگ و پوشـیده و آشـکار کردارش و حتی انـدیشه و خیالاتش را در آن مجسم می‌بیند، تعجب می کنـد و می گوید: (یا ویلتنا ما لهذا الکتاب لا یغادر صـغیرهٔ ولا کبیرهٔ الا احصاها)(۱۲) یعنی: وای بحال ما! این چه نوشـته‌ای است که هیـچ کوچک و بزرگی را فروگـذار نکرده است و همه را به حسـاب آورده است؟! میزان‌هـای عمل نصب می‌شونـد. پیامبران و

جانشینان پیامبران و شهیدان راه حق، برای داوری در مورد سرنوشت مردمان بپا می‌خیزند. و بالاخره، مؤمنان و نیکوکاران به بهشت، و کـافران و تبهکـاران به دوزخ می‌رونـد. آری، وقت برای همه این کارهـا هست! مگر نه این که روز قیامت برابر پنجاه هزار سال است؟! س: دیگر اعتقادات مسلمانان چه چیزهایی هستند؟ ج: عدل، امامت، قضا و قدر، جبر و اختیار. س: عدل یعنی چه؟ ج: یعنی: خداوند متعال عادل است و به هیچ آفریده‌ای ستم روا نمی‌دارد و کار زشتی از او سر نمی‌زند. ظلم و ستم و کارهای زشت و ناروا که در این جهان مشاهده می کنیم، کار بندگان خدا است. مثلًا اگر انسانی انسان دیگری را می کشد، این آدمکشی کار خدا نیست. کار زشت و نارواپی است که از یک فرد بشر سر زده است. س: درست است ظلم و ستم مردم به یکدیگر ارتباطی به خدا ندارد. اما، در باره سیل، گرد باد، زلزله، بیماریهای مسری و امثال آن چه می گویید؟ در اینگونه امور که مردم دخالتی ندارند؟ و غالبا این حوادث باعث مرگ یا صدمه دیدن مؤمنان پاک و افراد شایسته می‌شود؟ ج: اینگونه حوادث طبیعی که انسان در آن دستی ندارد، برای گنهکاران نوعی تأدیب است و راه توبه را برای آنان باز می کنـد و پاکان و بیگناهان مقامشان بالا می‌رود. خداوند به خاطر این مصیبت‌ها به بنـدگان شایسته‌اش پاداش خیر عنایت می‌فرماید و موجب آن می‌شود که انسانها از این پیشامدها درس عبرت بگیرند. س: امامت یعنی چه؟ ج: یعنی: حضرت رسول اکرم (ص) بفرمان خداونـد، برای ارشاد، هـدایت مردم و رهبری مردم پس از رحلت خویش، دوازده نفر را بـا نـام و نشـان به مردم معرفی کرده و جانشـین خود ساخته است. س: آن دوازده امام چه کسانی هسـتند؟ ج: دوازده امام به ترتیب عبارتنـد از: اول، امام علی امیرالمؤمنین (ع) . دوم، امام حسن مجتبی (ع). سوم، امام حسـین شـهید (ع). چهارم، امام علی بن الحسـین زین‌العابدین (ع). پنجم، امام محمد باقر (ع). شـشم، امام جعفر صادق (ع). هفتم، امام موسی کاظم (ع). هشتم، امام علی بن موسـی الرضا (ع). نهم، امام محمدالتقی (ع). دهم، امام علی النقی (ع). یازدهم، امام حسن عسگری (ع). دوازدهم، امام زمـان، مهـدی موعود (ع). س: خصوصـیات این امامـان چیست؟ ج: این امامـانماننـد حضـرت رسول اکرم (ص) و دخترشان فاطمه زهرا(س) همه معصوم هسـتند. یعنی به گنـاه و خطـا آلوده نمی‌شونـد. امامان، بالاترین درجه فضائل اخلاقی را دارا هسـتند. فرق بین پیغمبر اسلام و این امامان فقط در این است که به پیغمبر اسلام از جانب خداوند وحی می‌رسید ولی و به امامان وحی نمی‌رسد. س: امامان چه مزیتی بر کاشـفان و مخترعان که مورد احترام بشـرند دارند؟ ج: امتیاز امامان علاوه براینکه خلفای خداوند متعال در روی زمین هسـتند، و بالاترین رتبه انسانیت را دارا هسـتند دراین است که این پیشوایان انسانیت، راه خوشـبخت زیستن در این جهان را به انسانهـا نشان دهنـد، و مردم را به راههای عملی صـحیح و روشـهای پسـندیده، رهنمون میسازنـد که اگر انسانها به تعالیم آنان توجه کنند و از آنان پیروی کنند، نخست در دنیا و بعد در آخرت خوشبخت و سعادتمند خواهند شد. امتیاز چنین رهبران و امامان که راز و رمز خوشـبختی در این جهان و آن جهان را در اختیار بشـر قرار میدهند، بر کسانی که وسیله روشنایی یا وسیله نقلیه راحت و امثال آن را به بشر داده‌اند، نیاز به توضیح ندارد. س: در باره وجه تمایز امامان با مخترعان و کاشفان توضیح بیشتری بدهید. ج: از هرچیز، خوشبختی در زندگی لازمه‌اش امنیت، بی‌نیازی، دانش، سلامتی و اخلاق است. جنگ، تهیدستی، بیماری و فساد بهر شکل و در هر لباس که باشد موجب بدبختی است. از اینها که بگذریم، به وسائل و اسـبابی که زندگی را بهتر و راحت‌تر می کنند، می‌رسیم. مثلًا: هواپیما برای سـفر راحت‌تر، برق برای روشـنایی آسانتر و بیشتر و بهتر، آسانسور برای بالا و پایین رفتن سـریعتر و آسانتر. اما، بـدیهی است که این وسائل آسایش به تنهایی خوشـبختی نمی‌آورند و موجب رفاه و زندگی بهتر نمی‌شوند. شـما بگویید آیا انسان زیر نور شمع زندگی کند و امنیت آرامش داشـته باشد بهتر است یا از روشـنایی برق اسـتفاده کند و آشوب جنگ و هرج و مرج یک لحظه امانش ندهـد؟! پیامبران و امامان راههای خوب زیسـتن را که مهمترین اصل زندگی است، برای انسانها مشـخص ساخته‌اند، و از این رو درست نیست که مقـام و منزلت آنـان را بـا کاشـفان و مخترعـان مقـایسه کنیم. س: آیـا درست است که مسـلمانان معتقدنـد امام دوازدهم مهـدی موعود تا امروز زنـده است؟ ج: آری، پیغمبر راسـتگوی اسـلام و امامان راستین ما چنین فرموده‌اند. حضـرت مهدی موعود تا آخرالزمان زنـده می‌مانـد، و هر وقت که خداونـد متعال مقرر فرمایـد، ظهور می کند، و آثار ظلم و جور را از صـحنه گیتی

می‌زدایـد، وعـدالت را در سرتاسـر زمین حکمفرمـا می گردانـد و امنیت، بی‌نیـازی، دانش، سـلامتی و فضائل اخلاقی را در اطراف و اکناف جهان می گسترانـد، و زمین را فردوس برین می‌سازد. س: ایا امکان دارد انسان این قدر زیاد عمر کند؟ ج: چرا امکان ندارد؟ تاریـخ، سـخن از پیران کهنسالی دارد که تا چنـد قرن زنـدگی کرده‌انـد. از این گذشـته، علوم روز، امکان مبارزه با مرگ و سالهای سال زنده ماندن را مورد تأکید قرار داده است. در حال حاضر در جهان غرب، مراکز تحقیقاتی مهمی سرگرم بررسی راههای مبارزه با پیری و مرگ و طولانی‌تر کردن عمر انسان اند. از همه اینها گذشته، خداوند سبحان هر کار که بخواهد می‌تواند بکند! س: قضا و قـدر یعنی چه؟ ج: یک مهنـدس ساختمان، ابتـدا نقشه ساختمان را می‌کشـد. بعـد، ابزار و مصالـح لازم را فراهم می‌کنـد. بعـد، بنا و کارگر را به کار وا می‌دارد. کشیدن نقشه ساختمان، مثالی است برای قدر و فراهم کردن ابزار بنائی و مصالح ساختمان، مثالی است برای قضـاء. خداونـد سبحان هم موجودات کره زمین را در اختیـار انسـان قرار داده و راه اسـتفاده از ابزارهـای گوناگون را نیز به او نشـان داده این را قضا میگوینـد. و از طرف دیگر، برای تمام پیشامـدهای کوچک و بزرگ جهان آفرینش، از آغاز تا پایان، نقشه‌ای مشـخص فرموده است که این را قـدر می‌گوینـد. و مردم را به کارهـای نیـک امر فرموده، و از کارهـای زشت نهی کرده، و نتیجه و عکس‌العمل هریک را هم بیان فرموده است. بنا بر این، هرکه نیکی کنـد پاداش نیک می‌بینـد، و هرکه بـدی کنـد جزای بد می‌بیند: (ان احسـنتم احسـنتم لانفسـکم و ان اسأتم فلها)(۱۳) یعنی: اگر نیکی کنیـد بـه خودتـان کرده‌ایـد و اگر بـدی هم کنیـد به خودتـان کرده‌ایـد. س: جبر و اختیـار چیست؟ و آیـا انسان مجبور است یا مختار؟ ج: جبر ضـد اختیار است و اختیار ضـد جبر. انسان سالم که دسـتش را تکـان می‌دهـد، این یک حرکت اختیاری است. اما، انسان بیماری که به رعشه مبتلا است و دائم دسـتش تکان می‌خورد، حرکت دست او یک حرکت غیر اختیاری یا جبری است. انسان برای انجام هرکاری اختیار دارد. می‌توانـد نیکی کند. می‌تواند بدی کنـد. البته، در بعضـی موارد هم اختیاری از خود ندارد. مثلاً، به میل خودش مرد یا زن آفریده نشده است. انتخاب رنگ پوسـتش را بعهده او نگذاشـته‌اند که اگر بخواهد سـفید پوست باشد، و اگر بخواهد سیاهپوست. زشتی و زیبائی هم در اختیار او نیست. س: آیا خداونـد متعال در کارهای انسان دخالتی دارد؟ ج: البته، ولی با این توضیـح که ابزار و وسائل از خداوند است و کار از انسان. مثلاً، وقتی انسـان خـانه‌ای می‌سـازد، دست سازنـده، قـدرت انـدیشه برای طرح نقشه ساختمان، زمینی که خانه روی آن ساخته می‌شود، و همچنین مصالـح و ابزار، همه از آن خداونـد است. اما، عمل ساختن خانه، کار خود انسان است. بنا بر این، عمل انسان از خود انسان است و اگر نیک باشد مانند نماز، پاداش نیک به او تعلق می‌گیرد، و اگر بد باشد مانند زنا جزای بد دارد.

۱ ـ معمولاـ گفته می‌شود، اصول دین پنـج تـا است: اول، توحیـد. دوم، عـدل. سوم، نبوت. چهـارم، امـامت. پنجم، معـاد روز قیامت. ظاهراً، اشـکالی هم نـدارد. بخصوص اگر با این توضیـح همراه بوده باشـد که از این پنـج اصل سه اصل (توحید، نبوت، معاد) اصول دین هسـتند و دو اصل دیگر، اصول مذهب. اما وقتی اندکی دقت کنیم و بیاد آوریم که دشـمنان اسـلام همیشه می‌خواسته‌اند مسئله شیعه و سـنی وجود داشـته باشد و اختلافات شـیعه و سـنی هرچه بیشتر شود، تا از اتحاد مسلمانان جهان که بیش از هرچیز، از آن بیم دارنـد خیالشـان راحت باشـد به این فکر خـواهیم افتـاد که مبـادا همین روش آموزش اصول دین هم که ظـاهرا مسـئله مهمی نیسـت بهـانه‌ای برای ایجاد اختلاف و تفرقه میان شـیعه و سـنی باشـد، و براین حقیقت سـرپوش بگـذارد که مـذهب شـیعه یا مـذاهب دیگر اسـلامی از نظر اعتقاد به اصول دین فرقی ندارد. چه اشـکالی دارد بنا به روش مولف عظیم‌الشأن این کتاب، اصول دین را مانند همه مسـلمانان سه اصـل بـدانیم: توحیـد و نبـوت و معـاد. و عـدل و اعتقـاد به نبوت لازمه‌اش اعتقـاد به امـامت است، یـادآور شویم و به نوباوگان و فرزندانشان هم اینطور یاد بدهیم: اصول دین سه تا است: اول توحید. دوم نبوت. سوم معاد. و بر ایشان توضیح بدهیم که ما شـیعیان به خدای یگانه‌ای اعتقاد داریم که عادل است و ظالم نیست، و همانطور که به نبوت پیغمبر اسـلام اعتقاد داریم، به امامت دوازده نفر جانشـین آن حضرت هم معتقدیم. ۲ ـ (قـل لئن اجتمعت الجن والانـس علی ان یـاتوا بمثل هـذا القرآن لا یاتون بمثله ولو

کان بعضـهم لبعض ظهیرا) سوره بنی اسـرائیل: آیه۸۸ . ۳ ـ (فـاتوا بعشـر سور مثله مفتریات) سوره هود قسـمتی از: آیه۱۳ . ۴ ـ (فاتوا بسورهٔ من مثله مفتریات) سوره بقره قسمتی از: آیه۲۳ . ۵ ـ سوره کوثر، یکصدوهشتیمن سوره قرآن کریم. با داشتن۳ آیه و ۱۰ کلمه و۴۳ حرف، کوچکـترین سـوره قرآن است. بزرگـترین سـوره قرآن سـوره بقره (دومین سـوره قرآن) است که۲۸۶ آیه و ۱۴۲۱ کلمه و ۲۵۵۰۰ حرف دارد. (تجویـد کامـل، ص۸۴ و ۸۵). ۶ ـ (... فی یوم کـان مقـداره خمسـین الف سـنه...) سوره معارج ۷۰: آیه ۴. ۷ ـ پیرامون اثبات معاد با اسـتفاده از علوم روز و اسـتناد به دلایل عقلی و نقلی، مقالات و کتابهای متعـددی به زبان فارسـی نوشـته شـده است. از جمله، رجوع شود به کتاب (معاد و جهان پس از مرگ) تألیف اسـتاد محقق، ناصـر مکارم شیرازی. ۸ ـ سوره توبه: آیه ۷۲. ۹ ـ سوره نسـاء: آیه ۵۶. ۱۰ ـ سوره انعام: آیه ۲۸. ۱۱ ـ سوره زلزال: آیات ۷ ـ ۸. ۱۲ ـ سوره کهف: آیه ۴۹. ۱۳ ـ سوره بنی اسرائیل: آیه ۷.

اخلاق اسلامی

اخلاق اسلامی

س: اخلاق چیست؟ ج: اخلاق بر دو قسم است. ۱ ـ اخلاق مربوط به قلب. ۲ ـ اخلاق مربوط به اعضای بدن. س: ممکن است مثالی برای هریـک از آنهـا بزنیـد؟ ج: اخلاـق مربوط به قلب ماننـد دلسوزی و حسـد. اخلاـق مربوط به اعضـای بـدن ماننـد راسـتگویی و دروغگـویی. س: بطور کلی، اخلاـق چنـد قسم است؟ ج: دو قسم: ۱ ـ اخلاـق نیـک و فضائل اخلاقی یا صـفاتی که خوبست انسان داشته باشد. ۲ ـ اخلاـق بـد و رذائل اخلاقی یا صـفاتی که داشـتنش برای انسان زشت و بـد است. س: تکلیف انسان در برابر اخلاق چیست؟ ج: تکلیف انسان بدیهی است. انسان باید خود را به فضائل اخلاقی آراسـته گرداند، و از اخلاق بد دوری کند. به این دلیل که اخلاـق نیـک برای انسـان کمـال است و اخلاـق بـد، نقص و کمبود، و انسان ذاتاً و فطرتاً طالب کمال است، و از نقص و کمبود نفرت دارد. س: آیـا انسـان قادر است خود را به فضائل اخلاقی بیارایـد، و از رذائل اخلاقی دور گردانـد؟ ج: البته، روان انسان مانند یـک لوح سـفید است که هر رنگی را می‌پـذیرد، امـا در عین حـال، روان انسـان به آسـانی رام نمی‌شود. بنا بر این، رنگ‌آمیزی آن بخصوص بـا فضائـل اخلاـقی نیـاز به تکرار و تمرین دارد، تـا آن صـفت بصورت عادت در بیایـد و جزء طبیعت انسان شود، و انسان خود بخود به کارهای نیک و اخلاق خوب تمایل نشان دهد، و بدون هیچ دردسـر و تردیدی صفات پسندیده را از خود ظاهر سازد. حالت روانی انسان، وقتی می‌خواهـد صـفت خوبی را کسب کنـد، درست مانند وضـعی است که آدمی در موقع فراگیری صـنعت یا حرفه‌ای و آموختن دانشـی دارد، و همانطور که وقتی کسـی می‌خواهد صنعتگر شود باید مدتها آموزش ببیند و تمرین کند و اندک اندک نقائص کارش را برطرف کند، تا زمانی که یک اسـتاد کار ماهر شود و به طور خود بخود و بدون هیچ دردسر امور مربوط به حرفه‌اش را بـا کمال مهارت انجام دهـد، اخلاق هم همین حالت را دارد. س: ممکن است مثالی بزنیـد؟ ج: مثلاً، اگر انسانی بخواهد راسـتگو شود، باید مدتی خود را به زحمت بیندازد، و خود را وادار کند که دروغ نگوید. بارها و بارها باید این عمل را تکرار کند، تا آنکه راسـتگویی برایش بصورت عادت درآیـد. پیداکردن هر صـفتی برای انسان به همین اندازه نیاز به تمرین دارد بخصوص اگر صفات خوب باشد، زیرا مهار کردن نفس و آراستن آن به فضائل اخلاقی سخت‌تر است. س: موضع اسلام در زمینه اخلاق چیست؟ ج: اسـلام به فضائـل امر می‌کنـد و از رذائل نهی می‌کنـد. س: اصـلاً، خود را به زحمت انـداختن و فضائل اخلاقی را کسب کردن و صفـات بـد را از خـود دور کردن چـه فایـده‌ای دارد؟ ج: فضائـل اخلاـقی، هـم برای فرد سودمنـد اسـت و هم برای جـامعه، و رذائل اخلاقی، هم برای فرد و هم برای جامعه زیان آور. مثلاً، شادابی و تحرک که از فضائل اخلاقی است، پیشرفت و ترقی و تعالی انسان

را تضـمین می کند، و به ترقی و تعالی جامعه نیز کمک می کند. به عکس، سستی و تنبلی هم برای فرد مضر است و هم برای جامعه. س: بعضـی می گوینـد: اخلاـق، محصـول اختلافـات طبقـاتی اسـت آیـا ایـن درست است؟ آیـا اخلاـق فقـط به درد جـامعه طبقـاتی می‌خورد؟ ج: ما از کسانی که این حرف را می‌زنند، می‌پرسیم که: آیا عدالت زاییده این شکل طبقاتی جامعه است و فقط در جامعه طبقاتی، عـدالت پسـندیده است، و اگر شـکل جامعه تغییر پیدا کند، عدالت دیگر به درد نمی‌خورد و ظلم باید جای عدل را بگیرد؟ آیا خیانت، فقط در جوامعی که اختلافات طبقاتی بر آنها حاکم است بـد است؟ و در جامعه بی‌طبقه، خیانت یک فضـیلت اخلاقی و نوعی امتیاز به حساب می‌آید؟ بنا بر این، فضائل اخلاقی همیشه فضـیلت‌اند، و صـفات بد همیشه زشت و بد، و شـکل جامعه، تجدّد، تمـدن و غیره، در اصول اخلاقی تاثیری ندارنـد. س: فضائل اخلاقی کدامنـد؟ ج: بسـیارند، از جمله: ۱ ـ راستی و راسـتگویی: انسان باید راستگو باشد و دروغ نگوید. در عمل نیز صداقت داشته باشد، و عملش با اندیشه‌اش و ظاهرش با باطنش اختلاف نداشته باشد. مثلاًـ از روی تظـاهر و چاپلوسـی در برابر شخصـی تواضع کنـد که باطناً و از صـمیم قلب با او مخالف است آدمی بایـد در اعمال و رفتـارش صـادق باشـد. برای مردم وانمـود نکنـد که در پی چیزی است و در واقع منظورش چیز دیگری باشـد. در وعـده‌هایش بـاید راستگو باشد. انسان وقتی وعده می کند باید وفا کند و خلف وعده نکند. وضع ظاهر آدمی باید مناسب موقعیتش باشد. ژستی بخود نگیرد که با واقعیت زنـدگی او متفاوت باشـد. مثلاً، لباسـهای کهنه و ژنـده بپوشـد تا مردم فکر کننـد فقیر است، اما در واقع ثروتمند باشد. ۲ ـ امانت: انسان بایـد در رابطه با خـدا، امین باشـد، و مخالفت با اوامر نکند. با طرف معامله امین باشد و او را فریب ندهد. در مورد اموال مردم امین باشد و در آن خیانت نکند. در احادیث نبوی و سـخنان اهل‌بیت (ع) در مورد این دو فضـیلت اخلاقی (راستی و امانت) تاکیـد فراوان بعمل آمـده است، تا آنجا که در بعضـی روایات آمـده است: (ان الله لم یبعث نبیا الا بصـدق الحـدیث و اداء الامـانه) یعنی: همه پیغمبران داعی راسـتگویی و امـانت بوده‌انـد. انسـان راسـتگوی درسـتکار، و بـا صـداقت و امـانت دار، نزد مردم محبوب است و نزد خداونـد نیز محبوب، و در کـار این جهـان و آن جهـان، توفیق رفیق او است. به عکس، دروغگو و خیانتکـار که آینـده‌اش را تباه می کند و به سودی اندک که نقداً از راه خیانت بدست می‌آورد دل خوش می کند. ۳ ـ شجاعت: انسان باید دلیر و با اراده باشـد و از هیـچ کاری نهراسد، که ترسو همیشه در آخر کاروان است. برای عظمت و اهمیت صـفت شـجاعت همین بس که همه پیامبران و مصلحان دینی و اجتماعی این صـفت را داشـته‌اند. اگر نداشتند نمی‌توانستند ریشه‌های فساد را در اجتماع بسوزانند و مردم را در مسیر ترقی و تعالی و تکامل براه اندازند. چه شـجاعتی از این بالاتر که کسـی بخواهد پیشنهادهایی بسود مردم بدهد که هیچکس از آنها خوشـش نیایـد و قـدر آنها را ندانـد؟! ۴ ـ سـخاوت: در هر جـامعه‌ای مردم تهیـدست و بیچاره وجود دارنـد. در هر منطقه‌ای یـک سلسـله کارهـای جمعی و طرحهـای اجتمـاعی هست که نیـاز به تشـریک مسـاعی و بـذل مال دارد. بناها و مؤسـسات خیریه‌ای وجود دارد که چشم امیـد مردم تنگدست و ناتوان به آنها است. بنا بر این، باید بهر قیمتی هست، صـفت سـخاوت و روحیه بخشـندگی را در خویشـتن بپرورانیم. از دو حـال خـارج نیسـت: یـا ثروتمنـدیم، کـه در اینصـورت بخشـش و سـخاوت زیـانی بما نمی‌رسانـد. یا اینکه وضع متوسطی داریم که بازهم تاثیر چندانی در زندگی ما ندارد، و اگر بهمان اندازه که می‌توانیم دریغ نکنیم، بیش از آن هم از ما انتظاری نیست، و همه ما را سخاوتمند و بخشنده خواهند دانست. ۵ ـ غیرت: غیرت، حالتی است که انسان را وا می‌دارد از چیزهایی که بایـد محافظت بعمل آورد، نگاهـداری و پاسداری کند، از قبیل: دین، میهن، ناموس و غیره، غیرت از فضائل اخلاـقی است. اگر غیرت از وجـود مردم رخت بر بنـدد و فرد یـا جـامعه‌ای بی‌غیرت شود، موجودیت خویش را از دست می‌دهـد... علمـای اخلاـق، به تفصـیل در باره مواردی که غیرت واجب و ضـروری است و همچنین، مواردی که غیرت زیان آور و ناروا است، بحث و گفتگو کرده‌انـد(۱). ۶ ـ تعاون: زنـدگی تنها به یک فرد بسـتگی نـدارد. همه بایـد باهم تشـریک مساعی کنند. هرچه تعاون بیشتر باشـد، ترقی و تعالی بیشتر است و جامعه سـریعتر پیش می‌رود. تعاون انواع و اقسام دارد: تعاون از طریق همفکری تعاون از راه بـذل مـال، تعاون از راه تشـریک مساعی در کارها و غیره. ۷ ـ شـادابی و تحرک: انسـان، لـذت و آسایش را خیلی دوست دارد. اما،

خوشگذرانی و تن آسایی، دشمن ترقی و پیشرفت انسان اند. باعث سستی و افسردگی و عقب افتادگی و زبونی می‌شوند. بنا بر این، باید انسان همیشه شادابی و تحرک را در وجود خود نگاهدارد، و از تنبلی و خمودگی بپرهیزد، تحرک و شادابی، یک مأمور باطنی است که خود بخود انسان را از هر نظر به جلو می‌راند. آدمی که افسرده و تنبل است به هیچ چیز نمی‌رسد. ملتی هم که تحرک نداشته باشد. همیشه عقب افتاده است! ۸ ـ نظم و انضباط: امام امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: (الله! الله! فی نظم امرکم) یعنی، خدا را در نظر بگیرید! خدا را در نظر بگیرید خدا را در نظیر بگیرید! و کارهایتان را منظم سازید! وقت انسان بسیار کم است و عمر آدمی بسیار کوتاه، و بسیاری مسئولیت و وظیفه به عهده او گذارده‌اند. وظائفی که در رابطه با خودش دارد، وظائفی که در جامعه دارد، بنا بر این باید برنامه زندگیش را با دقت و باریک بینی تمام تنظیم کند. نظم و انضباط را باید از طبیعت یاد بگیرد که هرچیز دارای نظامی است. و همه کارهای طبیعت منظم است. اگر غیر از این بود، جهان آفرینش رو به تباهی و نابودی می گذاشت. سازمانها و ادارات دولتی و غیر دولتی هم اگر نظام و مقرراتی نداشته باشند و شرح وظائف هرکس مشخص نباشد، جامعه به فساد کشیده می‌شود. ۹ ـ مبارزه با فساد: جهان را اگر بحال خودش رها کنیم، رو به فساد می‌رود. زمان هر چیز نو را کهنه می کند. هر آبادی را ویران می‌سازد. طاغوت‌ها در اطراف و اکناف جهان، فساد را گسترش می‌دهند، و بندگان خدا را به زنجیر بردگی و اسارت می کشانند و... بنا بر این، انسان در هر شرایطی باید نقش مصلح را ایفا کند، و تا آنجا که می‌تواند برای آبادانی زمین، اصلاح اخلاق و رفتار مردم با ارشاد جامعه، هدایت مردم به مسیر ترقی و تعالی، از بین‌بردن مظاهر فساد، مرمت خرابی‌ها و ویرانگریهای ستمکاران و از این قبیل اقدامات اصلاح طلبانه بکوشد. ۱۰ ـ نظافت و پاکیزگی: حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: (النظافهٔ من‌الایمان) یعنی: پاکیزگی، بخشی از ایمان است، پاکیزگی انواع و اقسام دارد: ـ پاکیزگی در سخن. یعنی: از یاوه‌گویی، غیبت، سخن‌چینی، دروغ، مسخره‌گی، و غیره، برحذر بودن. ـ پاکیزگی در عمل. یعنی: از کارهای زشت و بد پرهیز کردن. ـ پاکیزگی بدن. پاک و تمیز نگهداشتن اعضای بدن، بر طرف کردن نجاست و کثافت از بدن، و عطر زدن و غیره. ـ پاکیزگی لباس و خوراک و غیره. ۱۱ ـ میانه روی: انسان باید در همه‌کار، میانه رو باشد نه از اندازه بیشتر و نه از اندازه کمتر. به اندازه بخورد، به اندازه بخوابد، به اندازه کار کند. نه افراط ونه تفریط. افراط در هرکار و در هرچیز، انسان را نابود می کند. تفریط هم آدمی را پست و زبون می گرداند. مثلاً، اگر سرعت سیر معمولی یک اتومبیل، ساعتی ۱۰۰ کیلومتر باشد راندن ۱۵۰ کیلومتر در ساعت با آن افراط است، و حرکت کردن ۵۰ کیلومتر در ساعت با آن تفریط. خداوند متعال، میانه روی و حد نگهداری میان افراط و تفریط را امتیاز امت اسلام قرار داده و فرموده است: (و کذلک جعلنا کم امهٔ وسطا)(۲). ۱۲ ـ عدالت: انسان باید در همه کارها، عدالت داشته باشد. در امور شخصی، در مسائل خانوادگی و در برخوردهای اجتماعی. وقتی حکومت منطقه‌ای را بعهده‌اش می گذارند، وقتی رئیس سازمانی بشود که خداوند سبحان در وجدان هر انسان یک ترازو قرار داده که در هر مورد می‌تواند با آن عدالت را تشخیص دهد. و این میزان خدا دادی که در ضمیر انسان نهفته است بزرگترین امتیاز انسان است، که می‌تواند او را به بالاترین مراحل تکامل سوق دهد و به والاترین مقام معنوی برساند. ۱۳ ـ تدبیر زندگی: آدمی باید همه کار را درست و از راه صحیح آن انجام دهد و در موقع انجام هرکار، تمام اطراف و جوانب آن را در نظر بگیرد. بداند که چگونه داد و ستد کند، چگونه ازدواج کند، چگونه فرزندانش را تربیت کند، چگونه با مردم معاشرت کند، چگونه امور سازمانی را اداره کند و همچنین در دیگر مسائل فردی، اجتماعی، دینی و دنیوی. ۱۴ ـ مدارا و گذشت: انسان باید با خانواده‌اش، با همسایگانش، با نزدیکانش، با طرف معامله‌اش و دیگر مردم نرم سخن بگوید، روی خوش نشان دهد. با هدیه دادن و به دیدار مردم رفتن محبت آنان را جلب کند و در غم و شادی آنها شریک باشد. از کسانی که به او ستم کرده‌اند در گذرد. و اگر احیاناً به کسی بدی کرد تا از او پوزش نخواهد از پای ننشیند. ۱۵ ـ تقوی: آدمی باید در همه حال و در همه کار، خدا را در نظر داشته باشد، و مراقبت کند که مبادا کاری خلاف رضای خداوند از او سر بزند. انسان تا ابد در این دنیا نمی‌ماند و می‌میرد و بعد از مرگ نیکان پاداش نیک می‌بینند و بدان جزای بد، در این دنیا هم تقوی بهترین وسیله

ترقی و تکامل فرد و جامعه است. ۱۶ ـ دانش: البته نبایـد به دانش کم، اکتفـا کنیم، بلکه، بفرموده پیغمبر اسـلام (ص) از گهواره تا گور در طلب دانش بیشتر بودن علم، رتبه و منزلت انسان را نزد خداونـد متعال بالا می‌برد: (یرفع الله الـذین آمنوا منکم والـذین اوتوا العلم درجات)(۳) یعنی: خداوند، از شـما آنان را که ایمان آورده‌اند و کسانی که از دانش برخوردارند، مقامشان را به درجات، بالا می‌برد. حضـرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده است: (قیمهٔ کل امری ما یحسنه) یعنی: بهای هر مردی به اندازه نیکی اوست(۴). ۱۷ ـ انس و الفت: انسان، اجتماعی آفریده شده است. بنا براین، هرچه بیشتر با همنوعانش انس بگیرد باطن خودش و باطن جامعه‌ای که در آن زنـدگی می کنـد بهتر برایش مکشوف می‌شود. استعدادهای نهفته بشـر تنهـا از راه مردم دوستی و نوع پروری و الفت گرفتن افراد با یکـدیگر، شـکوفا می‌شود. در حـدیث آمـده است: (المؤمن آلف مـألوف ولا خیر فیمن لا یألف و لا یؤلف) یعنی: مؤمن هم با مردم انس می گیرد و هم مردم بـا او الفت دارنـد. کسـی که نه خـود بـا مردم انس بگیرد و نه مردم به او انس بگیرنـد، خیری در وجودش نیست. ۱۸ ـ همت: همت بلند است که انسان را در ردیف رجال و بزرگان و شخصیتهای مادی و معنوی قرار می‌دهد. همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند بجـایی رسیده‌اند ۱۹ ـ استقامت : انسان اصولاً با مشـکلاتی باید دست به گریبان باشد. بخصوص، اگر در پی ترقی و تعالی باشد و بخواهد در جهت مصلحت عمومی هم قدم بردارد. اگر در برابر مصیبت‌ها استقامت بخرج دهد و به کوشـش و تلاش پیگیر خـویش ادامـه دهـد، بهروزی و پیروزی از آن اوست و گرنه، جز زحمت و زیـان چیزی عایـد او نمی‌شـود. خداونـد متعـال در سـتایش پایـداری و اسـتقامت می‌فرمایـد: (انالـذین قـالوا ربنا الله ثم اسـتقاموا تتنزل علیهم الملائکه الّا تخافوا ولا تخزنوا وابشـرو بالجنهٔ التی کنتم توعدون نحن اولیاؤکم فی‌الحیوهٔ الدنیا وفی‌الآخرهٔ و لکم فیها ما تشتهی انفسکم ولکم فیها ما تدعون نزلاً من غفور رحیم(۵). یعنی: آنان که گفتنـد: پروردگار ما الله است و بر این سـخن پا برجای ماندنـد، فرشـتگان پی در پی بر آنان فرود آیند که نترسـند و غم به دل راه ندهید و مژده دهید که به بهشتی که به شـما وعده داده بودند، رسیده‌اید ما دوستان شمائیم در دنیا و آخرت و در بهشت هرچه دلتان بخواهـد و اراده کنید در اختیارتان است. ۲۰ ـ اخلاق: علمای اخلاق به تفصیل همه صفات و حالات خوب را در کتابهای مفصل علم اخلاق برشـمرده‌اند و راه پیدا کردن آن صـفات و رسیدن به آن حالات راهم نشان داده‌اند. آیات قرآن و احادیث نبوی و فرمایشات ائمه طاهرین هم بیشتر به اخلاقیات مربوط می‌شوند.

۱ ـ رجوع شود به کتـاب (معراج السـعاده) تـألیف مرحوم ملا احمـد نراقی(ره). به تصـحیح مرحوم حاج میرزا ابوالحسن شـعرانی(ره) تهران، اسلامیه،۱۳۳۲ ق.ص ۷۱ ـ ۷۴. ۲ ـ سوره بقره: آیه ۱۴۳. ۳ ـ سوره مجادله: آیه ۱۱. ۴ ـ نهج‌البلاغه با ترجمه آقای محمد علی انصاری قمی (تهران، اسلامیه) ج۶ ص۱۰۵۳. ۵ ـ سوره فصّلت آیات ۳۰ ـ ۳۲.

آداب اسلامی

آداب اسلامی

س: منظور از آداب اسلامی چیست؟ ج: آداب اسلامی عبارتست از رهنمودهای اسلام در باره بسیاری از جزئیات و مسائل مربوط به زندگی انسان که در بعضـی موارد توصیه فرموده که انجام داده شود و در بعضی موارد دیگر سفارش کرده است که انجام نگیرد، و در عین حال، احکام واجب و حرام در باره آنها صادر نفرموده است. ولی بی‌تردید، توجه به اینگونه دستورات اسـلام، فرد و جامعه را در مسـیر تکامـل می‌انـدازد، و در دنیـا و آخرت مقـام انسـان را بالاـ می‌برد. س: اگر آداب اسـلامی موجبات ترقی انسان را فراهم می‌سازنـد. چرا اسـلام آنهـا را بصورت واجب و حرام مقرر نفرموده است؟ ج: اسـلام، ضـعف طبیعی بشـر را به حساب آورده است.

خداونـد هیچگـاه نخواسـته است بـا احکـام دشوار و طاقت‌فرسـا انسانهـا را به سـتوه آورد از این رو در مورد مسائل ضـروری دینی و دنیوی، صـریحاً حکم به وجوب یـا حرمت داده است امـا، در موارد دیگر به خود انسـان واگـذار کرده است و به انسـان اختیـار داده است که اینگونه کارها را انجام دهـد تا ندهـد، در عین حال اسـلام در هر مورد جزئی و کلی اشاره کرده است که این کار خوب و پسـندیده است یا زشت و ناپسـند، تا مردم سختکوش که همواره در صدد ترقی و تعالی خود و جامعه شان هستند، به این آداب عمل کننـد و به پـاداش نیـک در این جهـان و در جهان دیگر نائل آینـد. س: ممکن است برای آداب اسـلامی مثالهایی بزنیـد؟ ج: آداب اسـلامی بسیارند. در اینجا فهرست مختصری از آنها را می‌آوریم: ۱ ـ آداب زن گرفتن و شوهر کردن، شـرایطی که دختر باید داشته باشد و شرایطی که پسر باید داشته باشد، از نظر: ایمان، اخلاق، قیافه، ثروت، اصل و نسب و کمال. ۲ ـ آداب ازدواج، مهریه، نوازش و همخوابگی، اخلاق زناشویی و عـده نگهداشـتن. ۳ ـ آداب بارداری، شـیر دادن، و تربیت فرزنـدان. ۴ ـ آداب کـارکردن در داخل خانه و بیرون خانه، برای زن و شوهر. ۵ ـ آداب لباس: نوع پارچه، رنگ، مشخصات و تعداد لباس. ۶ ـ آداب موی سر، صورت، ابرو و دیگر جاهـای بـدن. شانه زدن، روغن زدن، تراشیـدن، آرایش، پیچیـدن، برطرف کردن، دارو کشـیدن و غیره. ۷ ـ آداب بهداشت بـدن، روغن زدن، کیسه کشـیدن، و ورزش کردن. ۸ ـ آداب خـوردن و آشامیـدن. ۹ ـ آداب خـواب رفتن و بیـدار شـدن از خواب، کشـیدن دست و پـا و به پشت خوابیـدن و غیره. ۱۰ ـ آداب سـرمه کشـیدن چشم، مسواک زدن دندان، خلال کردن، خوشـبو کردن دهان و دیگر اعضای بـدن. ۱۱ ـ آداب گرمابه رفتن: وارد شـدن، بیرون آمـدن، تطهیر با آب. بر طرف کردن نجاست و لنگ بسـتن. ۱۲ ـ آداب وارد شـدن و نشسـتن در مجـالس: پیش سـلام بودن، جابـاز کردن، نگهداشـتن زبـان و چشم و گوش از کارهـایی که با نشسـتن درحضور دیگران منافات دارد، مانند درگوشی صحبت کردن، و وراجی کردن، مؤدب نشستن و درست نشستن. ۱۳ ـ آداب غذاخوردن و هم غذا شدن، شستن دست قبل و بعد از إذا، تا گرسنه نشود نخورد، پیش از آنکه کاملاً سیر شود دست از غذا بکشد، کیفیت نشستن سر سفره و شروه به غذا با بسم الله و شکر خدا. ۱۴ ـ آداب آب نوشیدن ایستاده یا نشسته، جرعه آشامیدن یا مکیدن و با فاصله آب خوردن. ۱۵ ـ آداب کسب و تجارت. ۱۶ ـ آداب کشاورزی. ۱۷ ـ آداب حفظ سـلامتی، بهداشت، پیشگیری و درمان. ۱۸ ـ آداب آموزگـاری و شـاگردی، درس و کتـاب، تـالیف و نگـارش و مبـاحثه و گفتگو برای تمرین درس. ۱۹ ـ آداب معاملات خریـد و فروش، اجاره و رهن و غیره. ۲۰ ـ آداب نگاهـداری مرغ و پرندگان. ۲۱ ـ آداب تمیزکردن اتـاق و حیاط خانه و چگونگی خـانه و اتقاهایش. ۲۲ ـ آداب نگاهـداری چارپایـان و دیگر حیوانـات، آب و علـوفه دادن و جابجـا کردن. ۲۳ ـ آداب ساختمـان بالا بردن و ساختن بنا روی زمین. ۲۴ ـ آداب خیابان کشـی، حفر چاه و کانال کشی رودخانه. ۲۵ ـ آداب بهره برداری از ثروتها و منابع طبیعی از قبیـل: معـادن، گنـج در دریا و خشـکی. ۲۶ ـ آداب سـفر و حضـر. ۲۷ ـ آداب سـربریدن حیوانـات. ۲۸ ـ آداب قضـاوت و دادرسـی: قاضی، شاهد، منشی، وکیل. ۲۹ ـ آداب پوشـیدن زیور آلاـت و نگاه کردن در آیینه. ۳۰ ـ آداب مستراح رفتن و نشسـتن، ذکر گفتن، طهارت گرفتن و غیره. ۳۱ ـ آداب معاشـرت با مردم، بستگان و نزدیکان و عموم مردم، کیفیت دست دادن و غیره. ۳۲ ـ آداب صلح و پیمان نظامی بستن و جنگ و حمله. ۳۳ ـ آداب سوار شدن و پیاده شدن، در بین راه منزل کردن، رفیق راه گرفتن. ۳۴ ـ آداب محتضـر، میت، تشییع جنـازه، کفن و دفن، سـاختن قبر، سوگواری و غیره. ۳۵ ـ آداب سـالم و بیمار. ۳۶ ـ آداب ثروتمنـد و مستمند. ۳۷ ـ آداب تبلیـغ و ارشـاد و کیفیـت هـدایت مردم. ۳۸ ـ آداب حـاکم و عـالم و واعـظ و امـام جمـاعت و غیره. ۳۹ ـ آداب وصـیت، ارث، اجرای حدود شرعی و قصاص. ۴۰ ـ آداب دعا و نماز و دیگر عبادات و زیارت مشاهـد مشـرفه. بررسـی مفصل کلیه آداب اسلامی به چندین مجلد کتاب نیاز دارد(۱).

۱ ـ برای تفصیل آداب اسلام، رجوع شود به کتاب (حلیهٔالمتقین) تألیف مرحوم علامه مجلسی(ره) و کتاب (آداب الشریعه المطهره) از آثـار مرحوم آخونـد ملاـ محمـد بـاقر فشارکی(ره) و از نظر تطبیق با علوم روز به کتابهای (اولین دانشـگاه و آخرین پیامبر) تألیف

آقای دکتر سید رضا پاک نژاد.

محرمات اسلام

محرمات اسلام

س: حرام یعنی چه؟ ج: حرام کار یا چیزی است که اسلام انجام دادن آن یا استعمال آن را حرام کرده باشد، یعنی بطور قاطع از آن نهی کرده باشد و دستور دوری و اجتناب از آن را داده باشد. س: اصلًا، چرا اسلام بعضی چیزها را حرام کرده است؟ ج: به خاطر آنکه در چیزهایی که از نظر اسلام حرام شده است زیان فراوانی نهفته بوده است. س: اگر انسان مرتکب کارهای حرام شود یا چیزهایی را که اسلام تحریم کرده است استعمال کند، چه می‌شود؟ ج: در دنیا و آخرت زیان می‌بینند. س: در دنیا چه نوع زیانی می‌بیند؟ ج: مثلاً قماربازی زیان مالی ببار می‌آورد، شرابخواری موجب بیماری می‌شود، موسیقی ضعف اعصاب می‌آورد، زنا نظام توالد و تناسل بشر را درهم می‌ریزد، لواط بیماریهای جنسی می‌آورد، رباخواری موازنه اقتصادی و توزیع ثروت را میان افراد جامعه بهم می‌زند. س: پس چرا با آنکه چیزهایی که دراسلام تحریم شده است غالباً در جامعه رواج دار زیان هایی را که شما برشمردید نمی‌بینیم؟ ج: واقعا نمی‌بینید؟! ـ دادگاهها و زندانها گوشه‌ای از آثار گناهند. ـ موازنه اقتصادی جامعه بیش از هر زمان دیگر بهم خورده است. بعضی افراد میلیون‌ها تومان پول دارند و نمی‌دانند با آن چه کنند، و در برابر آنان هزاران انسان از گرسنگی می‌میرند. ـ بیماریهای گوناگون عرصه را بر مردم تنگ کرده است و از میان بردن یا کم کردن بیماریها دیگر امکان‌پذیر نیست و هزاران بیمارستان، درمانگاه، داروخانه و غیره از عهده مبارزه با این بیماریها بر نمی‌آیند. ـ پریشانی و اضطراب به صورت بی‌سابقه‌ای در تاریخ جهان گریبانگیر مردم شده است. ـ از همه بدتر، شورش‌ها و جنگ‌ها صفحات تاریخ معاصر را به خود اختصاص داده است، و فریاد و اشک و خون و مصیبت همه جا را فرا گرفته است! با اینهمه، آیا بازهم منکر آثار شوم گناه در اجتماع هستید؟ س: محرمات اسلام کدامند؟ ج: کارهایی که در اسلام تحریم شده‌اند، بسیارند، از جمله: ۱ ـ کمک به ستمگران. ۲ ـ خدا را از یاد بردن. ۳ ـ اسراف و تبذیر. ۴ ـ زیور آلات طلا و لباس ابریشمی برای مرد. ۵ ـ استمناء. ۶ ـ مردم آزاری. ۷ ـ استفاده از ظروف طلا و نقره. ۸ ـ فاش کردن اسرار مردم. ۹ ـ اطاعت نکردن از پدر و مادر و اطاعت نکردن زن از شوهر در مواردی که واجب است. ۱۰ ـ رواج دادن فحشاء و بی‌عفتی. ۱۱ ـ احتکار. ۱۲ ـ خود را به هلاکت انداختن. ۱۳ ـ مرد را قفل کردن و مانع باردار شدن همسرش و دیگر انواع طلسم و جادو. ۱۴ ـ دروغ بستن و تهمت زدن. ۱۵ ـ منجمی و غیبگویی کردن. ۱۶ ـ تزویر. ۱۷ ـ عیناً عمل نکردن به وصیت. ۱۸ ـ کنجکاوی در کارهای مردم. ۱۹ ـ کشتن یا زخمی کردن یا ناقص العضو کردن. ۲۰ ـ نپرداختن حقوق خدا و حق الناس. ۲۱ ـ انسانی را بناحق زندانی کردن. ۲۲ ـ حسد بردن. ۲۳ ـ پایمال کردن حقوق مردم. ۲۴ ـ خود را مست و بی‌خبر کردن، با شراب و چیزهای دیگر. ۲۵ ـ خوردن گوشت مردار، گوشت خوک و دیگر گوشتهای حرام، خوردن غذا یا نوشیدنی نجس، و خوردن چیزهایی که حلال نیست، مانند: گل. ۲۶ ـ خیانت، نیرنگ و حقه‌بازی. ۲۷ ـ دزدی. ۲۸ ـ واسطگی برای زنان و لواط دختر و پسر نامحرم و یا دو پسر را بهم رسانیدن. ۲۹ ـ دروغگویی. ۳۰ ـ دشنام دادن به خدا و پیامبران و امامان و دین و کتاب آسمانی و مذهب و مردم. ۳۱ ـ انواع و اقسام دورویی و نفاق. مثلا آدمی دوزبان داشته باشد، یکی زبان ستایشگر و چاپلوس در حضور اشخاص، و دیگر زبان ملامتگر و عیب شمار در پشت سر همان شخص. ۳۲ ـ رشوه دادن و رشوه گرفتن. ۳۳ ـ ربا خواری. ۳۴ ـ راهزنی. ۳۵ ـ ریش تراشی، خود را ناقص العضو کردن، یا یکی از قوای بدن خود را از کار انداختن، مثلاً خود را نابینا ساختن. ۳۶ ـ معاشرت مختلط دختران و پسران باهم. ۳۷ ـ رضایت دادن به گناهی که دیگران مرتکب می‌شوند. ۳۸ ـ نزدیکی نامشروع زن و مرد

باهم، آمیزش جنسـی دو پسر یا دو دختر با یکدیگر، نگاه کردن از روی شهوت به نامحرم و لمس بدن او. ۳۹ ـ بناحق مردم را کتک زدن. ۴۰ ـ نسبت زنا یا لواط یا دیگر کارهای حرام به کسی دادن. ۴۱ ـ سخن چینی و غیبت با فتنه‌انگیزی و طرفداری از باطل. ۴۲ ـ ویران کردن مساجد و نجس کردن آنها چه جزئی و چه کلی. ۴۳ ـ جاسوسی و خبرچینی برای ستمگران. ۴۴ ـ ساختن آلات لهو و لعب و وسائل قمار و صلیب. ۴۵ ـ بی‌حجابی و آرایش زنان برای نامحرمان. ۴۶ ـ شکستن سوگند و نذر و عهد. ۴۷ ـ شهادت بناحق و حق کشی. ۴۸ ـ بازی، شطرنج و نرد و غیره. ۴۹ ـ خانواده خود را بی‌سرپرست رها کردن. ۵۰ ـ ظلم و تعدی. ۵۱ ـ تعصب ناروا و غیرت بیجا. ۵۲ ـ موسیقی. ۵۳ ـ فساد در روی زمین. ۵۴ ـ قطع رحم، پدر و مادر را رنجانیدن و رسیدگی نکردن به وضع فرزندان. ۵۵ ـ کم فروشی و گرانفروشی. ۵۶ ـ غزل سرایی برای زنان نجیب و عفیف یا پسران جوان. ۵۷ ـ عورت خود را در معرض تماشای دیگران قرار دادن. ۵۸ ـ کشمکش و گفتگوی بیجا. ۵۹ ـ سرک کشیدن در خانه همسایگان. ۶۰ ـ استعمال هرچیزی که برای بدن ضرر زیاد داشته باشد، و همچنین به دیگری ضرر زدن. چنانکه ملاحظه می‌کنید، چیزهایی که در اسلام تحریم شده‌اند، غالبا علت حرام بودنشان روشن است. و حتی نیازی به تفکر هم ندارد. کیست که منکر زشتی آدم کشی، غارت، زخمی کردن مردم، سرک کشیدن در خانه مردم، آسیب رسانیدن به مردم، و از این قبیل جنایات باشد؟! درست است بعضی از محرمات اسلام، احتیاج به اندک توجهی به علل و اسباب حرمت آنها دارد. مثلا، برای اینکه انسان علت حرمت قمار و شراب و بی‌حجابی زنان را بفهمد، باید به این نکات توجه کند که قمار بازی پریشانی فکر و زیان مالی را سبب می‌شود، و شرابخواری بیماریهای گوناگون را به ارمغان می‌آورد، و بی‌حجابی و بی‌عفتی زنان فحشاء را رواج می‌دهد و خانواده‌ها را متلاشی می‌سازد. از همه اینها گذشته، کدام دین یا قانونی را سراغ دارید که بعضی چیزها را منع نکرده باشد؟ چیزی که می‌ماند این است که آیا ضرورت داشته است اسلام در مورد محرمات، این اندازه محدودیت قائل شود و سختگیری کند؟! جواب این اشکال این است که البته هرچیز که باعث فساد باشد، باید از آن جلوگیری شود و در مورد آن سختگیری بعمل آید و قوانین بشری هم آکنده از اینگونه محدودیت‌ها و سختگیریها هستند.

عبادات اسلام

عبادات اسلام

س: عبادات یعنی چه؟ ج: عبادات اعمالی است که اسلام بر مردم واجب گردانیده است که با قصد قربت باید انجام بدهند. س: قصد قربت یعنی چه؟ ج: قصد قربت به این معناست که نیت انسان باید این باشد که عمل را برای خداوند سبحان انجام می‌دهد، و فرق بین عبادات با دیگر واجبات همین است، عبادت بدون قصد قربت صحیح نیست و قبول نمی‌شود. اما، واجبات دیگر بدون قصد قربت نیز انجام می‌پذیرد و شخص وظیفه‌اش را انجام داده است. س: مثالی بزنید. ج: مثلاً، نماز عبادت است و بدون قصد قربت مفهومی ندارد و صحیح نیست. اما پاک کردن لباس عبادت نیست و بدون قصد قربت هم انجام می‌گیرد. س: چرا در صحت و قبولی عبادت قصد قربت شرط است؟ ج: اولاً تا عمل برای خدا انجام نگیرد، اطاعت خداوند محسوب نمی‌شود و مفهوم عبادت، جز اطاعت خدا چیز دیگری نیست ثانیا، وقتی انسان در حال عبادت دائما بیاد خداوند باشد و متوجه باشد که در پیشگاه خداوند بزرگ و شنوا و بینا قرار دارد، کم کم به یاد خدا بودن و توجه به عظمت پروردگار جهانیان جزو طبیعت او می‌شود و صفات و اخلاق پسندیده را یک به یک دارا می‌شود، و رفته رفته اگر اخلاق زشت و صفت ناپسندی هم دارد، کنار می‌گذارد. س: عبادات اسلام کدامند؟ ج: در اینجا، در باره شش فقره از عبادات اسلام صحبت می‌کنیم و بطور اختصار راجع به هریک توضیحی می‌دهم، و از آنجا که مبنای این کتاب فقط معرفی اسلام است، به ذکر فلسفه و علت تشریع عبادات نمی‌پردازیم. این موضوعات را در کتاب

(عبادات الاسلام)(۱) به تفصیل مورد بررسی قرار داده‌ایم. س: نماز چند نوع است؟ ج: دونوع: نماز واجب و نماز مستحب. س: نمازهای واجب کدامند؟ ج: نمازهای واجب که در مدت شبانه روز بر هر مسلمانی واجب است که بخواند، عبارتند از: ـ نماز صبح: دو رکعت که وقت آن از طلوع فجر تا طلوع آفتاب. ـ نماز ظهر: چهار رکعت وقت آن از لحظه‌ای که خورشید از وسط آسمان هر منطقه‌ای عبور می کند، تا نزدیک غروب آفتاب. ـ نماز عصر: چهار رکعت وقت آن بعد از نماز ظهر، تا غروب آفتاب. ـ نماز مغرب: سه رکعت وقت آن از مغرب ـ تقریبا یک ربع ساعت بعد از غروب آفتاب، که سرخی نور آفتاب از وسط آسمان کنار می‌رود ـ تا نزدیک نیمه شب. ـ نماز عشاء: چهار رکعت. وقت: بعد از نماز مغرب تا نیمه شب. س: آیا نماز مسافر با نماز غیر مسافر فرق دارد؟ ج: آری. نماز در سفر شکسته می‌شود، به این معنی که نمازهای ظهر و عصر و عشاء که چهار رکعتی هستند، مانند نماز صبح دو رکعتی می‌شوند. س: ترتیب خواندن نماز چگونه است؟ ج: ترتیب خواندن نماز دو رکعتی از این قرار است. ـ اول، نیت می کنیم به این معنی که توجه داریم چه نمازی می‌خواهیم بخوانیم و متوجه هستیم که نماز را محض اطاعت فرمان پروردگار و بقصد قربت می‌خوانیم. ـ تکبیرﺓالاـحرام می گوییم، یعنی با دقت و بطور صحیح می گوییم: (الله اکبر). ـ در حالیکه کاملاً ایستاده‌ایم و بدنمان بی‌حرکت و آرام است، حمد و سوره را می‌خوانیم. ـ بعد به رکوع می‌رویم و ذکر رکوع را می گوییم. ـ بعد از رکوع بر می‌خیزیم و دوباره می‌ایستیم. ـ به سجده می‌رویم و ذکر سجده را می گوییم و بعد، می‌نشینیم. ـ دوباره به همین ترتیب به سجده می‌رویم و ذکر سجده را می گوییم و بار دیگر می‌نشینیم. تا اینجا رکعت اول نماز بپایان رسیده است. ـ برای شروع رکعت دوم دوباره بر می‌خیزیم و می‌ایستیم، حمد و سوره را می‌خوانیم و اگر بخواهیم دو دست را پیش روی می گیریم و دعائی می‌خوانیم که این کار قنوت نامیده می‌شود و مستحب است. ـ بعد برکوع می‌رویم و دو سجده بجا می‌آوریم و می‌نشینیم. ـ تشهد می‌خوانیم. اگر نماز دو رکعتی باشد تا همین جا تمام می‌شود و فقط باید سلام نماز را بگوییم، اما اگر نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی باشد، باید برای رکعت بعدی برخیزیم و تسبیحات اربعه بخوانیم، تفاوت رکعتهای سوم و چهارم با دو رکعت اول و دوم، در این است که بجای حمد و سوره باید تسبیحات اربعه خوانده شود. البته می‌توانیم بجای تسبیحات اربعه فقط یک سوره حمد بخوانیم. س: شرائط صحت نماز چیست؟ ج: شرائط درست بودن نماز عبارتند از: ـ رو به قبله ایستادن. ـ پاک بودن لباس و بدن و محل سجده. ـ طهارت داشتن یعنی با وضو یا غسل یا تیمم بودن. ـ حرام و غصبی نبودن لباس نمازگزار و مکان نماز. ـ در حال نماز کاری که نماز را باطل نمی‌کند انجام ندهد، مانند: خندیدن و روی از قبله برگردانیدن. س: غیر از نمازهای یومیه، آیا در اسلام نماز واجب دیگری هم داریم؟ ج: آری، نمازهای واجب دیگر عبارتند از: ـ نماز میت. ـ نماز آیات. ـ نماز طواف. ـ نماز قضای میت، اگر برکسی واجب شود. ـ نمازی که با نذر واجب شده باشد. هریک از این نمازهای واجب، کیفیت و خصوصیت و آداب ویژه‌ای دارد که در فقه اسلام به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. س: نمازهای مستحبی کدامند؟ ج: نمازهای مستحبی بسیار زیادند. از جمله: ـ نمازهای نافله شبانه روز. ـ نمازهای مستحبی ماه رمضان. ـ نمازهای مستحبی اعیاد دینی و روزهای مهم مذهبی. ـ نمازهائی که از پیغمبر اکرم (ص) و امامان (ع) وارد شده که این نمازهای مستحب را می‌خوانده‌اند، و هر نمازی بنام یکی از آنان نامیده شده است(۲). ـ نماز زیارت، نماز استسقاء و نماز خوف. س: روزه چیست؟ ج: روزه داشتن یک روز عبارت است از خود داری از مفطرات از طلوع فجر تا مغرب. س: روزه چند نوع است: ج: چهار نوع: ۱ ـ روزه واجب، مانند روزه ماه رمضان. ۲ ـ روزه مستحب، مانند روزه ماه رجب. ۳ ـ روزه مکروه، مانند روزه روز عاشورا. ۴ ـ روزه حرام، مانند روزه عید فطر و عید قربان. س: در ماه رمضان چند روز باید روزه گرفت؟ ج: تمام ماه رمضان را که ماه نهم سال قمری است، باید روزه گرفت. س: مفطرات روزه که گفتید روزه دار باید از آنها خودداری کند کدامند؟ ج: مفطرات روزه ده چیز است: ۱ و ۲ ـ خوردن و آشامیدن. ۳ و ۴ ـ جماع و استمناء ۵ ـ تا طلوع فجر به حالت جنابت (و حیض و نفاس) باقی ماندن. ۶ ـ اماله با مایعات. ۷ ـ غبار غلیظ به حلق رسانید. ۸ ـ سرزیر آب فرو کردن. ۹ ـ قی کردن. ۱۰ ـ عمداً، به خدا و رسول و امامان دروغ بستن. س: اگر کسی عمداً یک روز از ماه رمضان را روزه نگیرد. چه باید بکند؟ ج: اولاً، یک روز،

روزه قضا بجای آن باید بگیرد. ثانیاً، یکی از سه کفاره زیر را بدهد. ـ یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد. ـ یا شصت نفر مسکین را خوراک دهد. ـ و یا یک برده مؤمن را آزاد کند. ثالثاً، حاکم شرع به خاطر جرمی که مرتکب شده است او را تادیب می کند. س: خمس چیست؟ ج: خمس عبارت است از اینکه انسان یک پنجم یعنی صدی بیست از در آمدش را در راه خدا بدهد. س: خمس به چه درآمدها و دارائی‌هائی تعلق می گیرد؟ ج: به هفت چیز: ۱ ـ غنیمت‌های جنگی. ۲ ـ آنچه از غواصی در دریا بدست می‌آید. ۳ ـ معادن ۴ ـ سود سرمایه و در آمد مستغلات و منفعت کسب. ۵ ـ زمینی که کافر ذمی از مسلمان می‌خرد. ۶ ـ مال حلال مخلوط به حرام. ۷ ـ گنج. س: خمس به چه کسی باید پرداخت شود؟ ج: به حاکم شرع باید پرداخت شود، تا هر طور صلاح ببیند برای مصارف مورد نیاز مسلمانان هزینه کند، و به یتیمان و فقیران و در راه ماندگان از سادات و ذریّه پیغمبر اکرم (ص) داده شود. س: زکات از چه مالی باید داده شود؟ ج: از۹ چیز: ۱ و ۲ و ۳ ـ گاو، گوسفند و شتر. ۴ و ۵ و ۶ و ۷ ـ خرما و کشمش و گندم و جو. ۸ و ۹ ـ طلا و نقره. پرداختن زکات از اموالی که ذکر شد واجب است. دادن زکات از اموال دیگر نیز مانند مستغلات و املاک و سرمایه تجارت مستحب است. س: زکات به چه کسانی داده می‌شود؟ ج: به هشت طبقه: ۱ و ۲ ـ فقرا و مساکین (مسکین کسی را گویند که وضعش از فقیر بدتر باشد). ۳ ـ عاملان وصول زکاة. ۴ ـ تامین منافع و مصالح دینی و دنیوی مسلمانان (فی سبیل الله). ۵ ـ بدهکارانی که نمی‌توانند بدهی خود را بپردازند. ۶ ـ مسافران در راه مانده که از عهده هزینه بازگشت به وطن بر نمی‌آیند. ۷ ـ کافران که به خاطر دلجویی و جلب محبت آنان بخشی از زکات به آنان تعلق می گیرد و سبب می‌شود که از منافع مسلمانان دفاع کنند. ۸ ـ بردگان زرخریدی که در سختی بسر می‌برند، از محل زکات خریداری و آزاد می‌شود. س: جهاد چیست؟ ج: جهاد عبارت است از جنگ و کارزار در راه خدا. س: هدف از جهاد چیست؟ ج: دو چیز: ۱ ـ رهایی بخشیدن مردم از دام خرافات در عقیده و عمل. ۲ ـ رهایی دادن ستمدیدگان از چنگال ستمکاران. س: آیا اسلام، بدون مقدمه به جنگ کفار می‌رود؟ ج: نه، اهل کتاب را نخست میان اسلام آوردن و جزیه دادن و جنگ مخیرشان می گرداند و اگر اسلام یا جزیه را نپذیرفتند، آن وقت می‌جنگد، غیر اهل کتاب را هم ابتدا به آنان پیشنهاد می کنند که اسلام بیاورند و اگر نپذیرفتند، آنگاه با آنان کارزار می کند. س: اهل کتاب چه کسانی هستند؟ ج: یهود و نصاری و مجوس که دارای کتاب آسمانی بوده‌اند. س: غیر اهل کتاب چه کسانی هستند؟ ج: دیگر فرقه‌های کفار، مانند بت‌پرستان و غیره. س: جزیه چیست؟ ج: جزیه، مقدار کمی از دارایی افراد است که از اهل کتاب در برابر حمایت مسلمانان از آنان به دولت اسلامی پرداخت می‌شود. اهل کتاب وقتی جزیه مقرر را بپردازند در برگزاری مراسم دینی شان آزاد هستند، واز دادن زکات و خمس نیز معاف اند. س: بهتر نبود که با اهل کتاب عیناً مانند مسلمانان رفتار شود؟ این تبعیض بخاطر چیست؟ ج: درست بعکس، هیچ نوع تبعیضی در کار نیست. در حکومت اسلامی حقوق اهل کتاب بیش از هر نظام دیگری محفوظ است. شما به موازین حقوقی اسلام که به حقوق اهل کتاب مربوط می‌شود بنگرید: ۱ ـ اهل کتاب، یک تبعه دولت اسلامی است و با مسلمانان هیچ فرقی ندارد. ۲ ـ خون و مال و حیثیت اهل کتاب محترم است، عیناً مانند مسلمانان. ۳ ـ اهل کتاب مانند مسلمانان حق دارند مراسم مذهبی خودشان را اجرا کنند. ۴ ـ در مورد گرفتاریهای حقوقی و قضائی، اهل کتاب اگر بخواهند می‌توانند به دادگاههای اسلامی مراجعه کنند وگرنه به قضات خودشان. ۵ ـ اهل کتاب جزیه می‌دهند و مالیات نمی‌دهند مسلمانان مالیات (خمس و زکات) می‌دهند و جزیه نمی‌دهند. بنا براین، در حکومت اسلامی چه فشاری به اهل کتاب وارد می‌آید؟ س: اگر اینطور است پس چرا مسلمانان بااهل کتاب می‌جنگند؟ ج: اگر جنگی بوده است با حکومتهای ستمگر و سفاک آنان بوده است نه با خود اهل کتاب. از این رو می‌بینیم مردم این مناطقی که مورد حمله اسلام قرار می گرفته‌اند، با آغوش باز به استقبال مسلمانان آمده، و آنان را نجات دهنده. خودشان از یوغ ستم و ظلم فرمانروایانشان دانسته‌اند. تاریخ بهترین گواه براین مدعا است. در مورد غیر اهل کتاب هم همینطور بوده است. هدف اصلی جنگ مسلمانان با غیر مسلمانان به اهتزاز در آوردن پرچم اسلام و ریشه کن کردن نفوذ استعمارگران و ساقط کردن زورگویان و فرمانروایانی که بازور و تهدید بر مردم حکومت می کنند(۳). س: حج چیست؟ ج: حج،

عبارت است از رفتن به شهر مکه واقع در عربستان به منظور انجام مناسک زیارت خانه خدا. س: حج برچه کسی واجب است؟ ج: برهرکس که مستطیع باشد. یعنی بتواند مخارج سفر حج را از دارایی خود بدهد و پس از انجام سفر حج به تهیدستی و سختی معیشت دچار نگردد. س: حج چند بار در عمر انسان واجب می‌شود؟ ج: فقط یک بار. س: حج مستحب هم داریم؟ ج: حج بیت الله برای کسی که مستطیع نیست، در صورتی که بخواهد به زحمت به حج برود مستحب است. همچنین برای کسی که سفر حج واجبش را رفته است برای بار دوم به بعد مستحب است. س: اعمال حج را شرح دهید. ج: حج به دو قسم تقسیم می‌شود: عمره و حج. عمره عبارت است از: ۱ ـ احرام بستن از محل میقات. ۲ ـ هفت شوط طواف دور خانه خدا، کعبه معظمه. ۳ ـ دو رکعت نماز طواف در مقام ابراهیم (ع). ۴ ـ هفت مرتبه سعی بین صفا و مروه. ۵ ـ تقصیر، یعنی قسمتی از موی سر یا ناخن را چیدن. اعمال و مناسک حج عبارتند از: ۱ ـ احرام در مکـه. ۲ ـ وقوف در عرفات، روز نهم ذی‌الحجه. ۳ ـ وقوف در مشعرالحرام، شب دهم ذی‌الحجه. ۴ ـ رفتن از مشعرالحرام به طرف صحرای منی روز دهم ذی‌الحجه (عید قربان). ۵ ـ رمی جمره عقبه با هفت سنگریزه روز عید قربان. ۶ ـ قربانی کردن شتر یا گاو یا گوسفند. ۷ ـ تراشیدن سر یا تقصیر. ۸ ـ هفت شوط طواف کعبه به عنوان زیارت خانه خدا. ۹ ـ دو رکعت طواف، در مقام ابراهیم (ع). ۱۰ ـ هفت مرتبه سعی بین صفا و مروه. ۱۱ ـ هفت دور طواف نساء. ۱۲ ـ دو رکعت نماز طواف نساء، در مقام ابراهیم (ع). ۱۳ ـ ماندن شب یازدهم و شب دوازدهم و شب سیزدهم ذی‌الحجه در منی. ۱۴ ـ رمی جمرات سه گانه در منی، هریک را با هفت سنگریزه، در روزهای یازدهم و دوازدهم و در صورتی که شب سیزدهم را بماند سیزدهم ذی‌الحجه. س: حج را چه وقت باید بجای آورد؟ ج: در ماههای حج که عبارتند از: شوال، ذی‌القعده و ذی‌الحجه که مناسک حج فقط در ماه ذی‌الحجه انجام می گیرد. س: عمره مفرده چیست؟ ج: عمره مفرده را در تمام اوقات سال می‌توان بجای آورد. این عمره با عمره‌ای که بعنوان قسمتی از مناسک حج ذکر کردیم تفاوتی ندارد جز اینکه در عمره مفرده طواف نساء و نماز طواف نساء هم جزو مراسم آنست. س: فایده حج چیست؟ ج: حج فواید بسیاری دارد، از جمله: ۱ ـ فواید سیاسی: حج موجب وحدت مسلمانان و نشان داده شدن قدرتشان به جهانیان و واهمه کردن دشمنان اسلام از شوکت و اتحاد مسلمانان می‌شود. ۲ ـ فواید اقتصادی: حج باعث می‌شود ثروتها در اطراف و اکناف جهان اسلام انباشته نشود و از این سوی جهان به آن سوی جهان برده شود و تجارت رونق گیرد. ۳ ـ فواید معنوی: سفر حج بهتر از هر سفر دیگری غم و اندوه را از دل می‌زداید، و افسردگی را از بین می‌برد، و آرامش و اطمینان خاطر برای انسان به ارمغان می‌آورد. ۴ ـ فواید اجتماعی: حج موجب می‌شود که مسلمانان یک دیگر را بشناسند و چند روزی ملتهای مختلف مسلمان از نژادهای گوناگون در کنار یکدیگر بسر برند و از نزدیک با اوضاع و احوال و مشکلات یکدیگر آگاه شوند. ۵ ـ فواید عبادتی: طواف کعبه، سعی صفا و مروه، نماز وقوف در عرفات و مشعرالحرام و منی و غیره، همه عبادت است و انسان را به خدای جهانیان و کردگار عالمیان نزدیک می کند. بدیهی است فواید حج را نمی‌توان منحصر به آنچه ذکر شده دانست.

۱ ـ این کتاب توسط دانشمند محترم مصطفی زمانی بنام فروع دین ترجمه و به چاپ رسیده است. ۲ ـ رجوع شود به کتاب (مفاتیح‌الجنان) تألیف مرحوم محدث قمی (ره) به تهران. اسلامیه. ص۳۸ ـ ۴۶. ۳ ـ کیف انتشرالاسلام: نوشته مؤلف که به نام گسترش اسلام در جهان توسط استاد علی کاظمی ترجمه و چاپ شده است، (ناشر).

معارف اسلامی

معارف اسلامی

طهارت

س: طهارت چیست؟ ج: طهارت در اسلام چهار قسم است؟ ۱ ـ طهارت روح از رذائل اخلاقی مانند حسد، بخل، کینه، ترس و غیره. ۲ ـ طهارت اعضای بدن از کارهای خلاف. مانند پاکی چشم از نگاه خیانت‌آمیز و پاک بودن زبان از یاوه‌گویی. ۳ ـ طهارت بدن و لباس و ظرف و فرش و لوازم زندگی، اسلام تطهیر از بول و خون و غائط و نجاسات دیگر را واجب گردانیده است و نظافت و دوری از چرکی و کثافت را تشویق کرده است. ۴ ـ طهارت روح و بدن باهم شامل وضو، غسل و تیمم. اول ـ وضو: بدنبال هر حدثی که از انسان صادر می‌شود. س: حدث‌ها کدامند؟ ج: حدث عبارت است از: بول، غایط، باد روده و معده، خواب، خون استحاضه قلیله برای زنان، استعمال هرچیزی که عقل را از کار بیندازد مانند شراب، هر عارضه‌ای که موجب بیهوشی و از کار افتادن عقل شود، مانند حالت اغما و غیره. س: چگونه باید وضو گرفت؟ ج: به این ترتیب: ۱ ـ صورت را از بالای پیشانی (رستنگاه موی سر) تا چانه می‌شوییم. ۲ ـ دست راست را از بالای آرنج تا سرانگشتان می‌شوییم. ۳ ـ دست چپ را هم مانند دست راست می‌شوییم. ۴ ـ با همان‌تری و رطوبت دست راست قسمتی از جلو سر را مسح می‌کنیم. ۵ ـ با همان‌تری دست، با دست راست روی پای راست و با دست چپ روی پای چپ را مسح می‌کنیم. دوم ـ غسل: که بر دو نوع است: غسل واجب و غسل مستحب. س: غسل‌های واجب چندتا هستند؟ ج: شش تا: ۱ ـ غسل جنابت: جنابت حالتی است که پس از آمدن منی از انسان یا نزدیکی کامل (دخول) برای انسان پیش می‌آید، و برای در آمدن از آن حالت باید غسل کند. ۲ ـ غسل حیض: خون ماهیانه‌ای که زنان می‌بینند که پس از پاک شدن باید غسل کنند. ۳ ـ غسل نفاس: خونی که زنان در هنگام زاییدن می‌بینند، که پس از پاک شدن باید غسل کنند. ۴ ـ غسل استحاضه: خونی که زنان می‌بینند که نه خون حیض است و نه خون نفاس (و شرحش مفصل است). ۵ ـ غسل مس میت: اگر کسی انسان مرده‌ای را که بدنش سرد شده باشد و هنوز غسلش نداده باشند، لمس کند باید غسل کند. ۶ ـ غسل میت: وقتی انسانی می‌میرد واجب است که مسلمانان او را غسل دهند و بعد کفن کنند و به خاک بسپارند. س: غسلهای مستحب چندتا هستند؟ ج: غسلهای مستحب زیادند، مانند: غسل جمعه، غسل اعیاد اسلامی، غسل شبهای ماه رمضان. س: چگونه باید غسل کرد؟ ج: غسل را بدو صورت می‌توان انجام داد: ارتماسی و ترتیبی. غسل ارتماسی به این شکل است که یک دفعه تمام بدن را در آب فرو ببریم به نحوی که به همه جای بدن همزمان آب برسد. غسل ترتیبی به این شکل است که ابتدا سر و گردن را می‌شوییم و بعد، طرف راست بدن و پس از آن طرف چپ بدن را می‌شوییم. سوم ـ تیمم: در صورتی که آب برای وضو یا غسل پیدا نکنیم (یا آب برای بدنمان ضرر داشته باشد) به جای وضو یا غسل، تیمم می‌کنیم. س: تیمّم را چگونه باید انجام داد؟ ج: تیمّم را به این ترتیب انجام می‌دهیم: ۱ ـ دو کف دست را روی زمین پاک و حلال و غیر غصبی می‌زنیم. بعد، گرد و خاک دستمان را می‌تکانیم و با دو دست پیشانی را از رستنگاه موی سر تا قسمت بالای بینی دست می‌کشیم. ۲ ـ با کف دست چپ روی پشت دست راست می‌کشیم و با کف دست راست روی پست دست چپ. ۳ ـ یکبار دیگر کف دو دست را به زمین می‌زنیم و به همان ترتیب قبلی پُست دو دست را دست می‌کشیم. لازم به تذکر است که طهارت (وضو، غسل و تیمم) احتیاج به نیت دارد و باید با توجه به اینکه وضو یا غسل یا تیمم برای در آمدن از حدث یا جنابت و غیره به منظور تقرب به خداوند متعال، انجام می‌گیرد، بجای آورده شود. علت لزوم نیت برای صحت طهارت این است که وضو و غسل و تیمم هم برای تطهیر ظاهر انسان است و هم برای تطهیر باطنش و این توجه به خداوند متعال است که طهارت ظاهر را به طهارت باطن سرایت می‌دهد.

عبادتگاهها

س: منظور از عبادتگاه چیست؟ ج: پیامبر اسلام (ص) فرموده است: (جعلت لی الارض مسجدا و ترابها طهورا) بنا براین، در همه جای زمین از نقطه نظر اسلام، می‌توان عبادات را بجای آورد. و در دین اسلام یک محل بخصوص برای عبادت اختصاص ندارد. همچنین در اسلام محل عبادات این گروه با آن گروه و این طبقه با آن طبقه تفاوتی ندارد. خداوند متعال فرموده است: (واقیموا وجوهکم عند کل مسجد)(۱). با این وصف، اسلام بعضی اماکن را مخصوص عبادت قرار داده است که مسجد نامیده می‌شوند. عبادت در مساجد ثواب بیشتری دارد، و شارع مقدس اسلام مردم را به تجمع در آنها بسیار ترغیب فرموده است و برای ساختمان مساجد و ایجاد روشنایی در آنها ثواب بسیار قرار داده است. مساجد از نظر درجه اهمیت سه دسته‌اند: ۱ ـ مساجدی که در درجه اول اهمیت اند عبارتند از: مسجدالحرام در مکه مکرمه، مسجد پیغمبر (ص) در مدینه منوره، مسجد کوفه در نزدیکی نجف اشرف، مسجد بصره در شهر بصره، و بیت المقدس در اردن. ۲ ـ مساجدی که در درجه دوم اهمیت هستند، شامل: مسجد سهله در نزدیکی نجف اشرف. مسجد براثا میان کاظمین و بغداد. ۳ ـ مساجدی که مسلمانان در شرق و غرب جهان ساخته‌اند. این مساجد هم در مقایسه با یکدیگر اهمیت و فضیلتشان متفاوت است و در فقه اسلام به تفصیل بیان شده است. س: آیا مساجد، احکام بخصوصی دارند؟ ج: آری. نجس کردن مسجد حرام است، ویران کردن مسجد حرام است، ماندن شخص جنب و زن حائض و نفساء در مسجد حرام است، در مورد مسجدالحرام و مسجد پیغمبر، حتی عبور از مسجد یعنی ورود از یک در و بیرون شدن از در دیگر نیز برای جنب و حائض و نفساء حرام است مسجد احکام دیگری نیز دارد که در کتب فقهی مفصل بیان شده است.

زیارتگاهها

س: زیارتگاهها کدامند؟ ج: زیارتگاهها اماکنی هستند که پیغمبر اکرم و ائمه طاهرین در آنها مدفونند و عبارتند از: ۱ ـ حجره پیغمبر (ص) در مدینه منوره در سرزمین حجاز. ۲ ـ قبرستان بقیع که قبر چهار امام است. امام حسن مجتبی (ع) و امام زین‌العابدین (ع) و امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) مرقد مطهر حضرت فاطمه زهرا(س) هم شاید در این قبرستان باشد. قبرستان بقیع در مدینه منوره در سرزمین حجاز واقع است. ۳ ـ حرم امام علی بن ابیطالب (ع) در نجف اشرف ـ عراق. ۴ ـ حرم امام حسین (ع) در کربلا ـ عراق. ۵ ـ حرم امام موسی کاظم (ع) و امام محمد تقی (ع) در کاظمین ـ عراق. ۶ ـ حرم امام علی بن موسی‌الرضا (ع) در خراسان ـ ایران. ۷ ـ حرم امام علی النقی (ع) و امام حسن عسکری (ع) و سرداب امام زمان (ع) در سامراء ـ عراق. ۸ ـ حرم حضرت ابوالفضل العباس (ع) در کربلا و حرم حضرت زینب(س) در شام. ۹ ـ مقابر پیامبران مانند حضرت ذوالکفل (ع) و حضرت موسی (ع). س: آیا این زیارتگاهها امتیاز و حرمت خاصی دارند؟ ج: آری، در این اماکن متبرکه پیامبران خدا و اوصیای آنان و مقربان درگاه احدیت، آرمیده‌اند. س: شمه‌ای راجع به احترام و عظمت زیارتگاهها بیان کنید. ج: زیارتگاهها در حکم مساجدند. از جمله، یکی از امتیازات حرم مطهر حضرت امام حسین (ع) آن است که دعا در حرم آن حضرت مستجاب است. س: آیا رفتن به این زیارتگاهها ثوابی هم دارد؟ ج: البته اسلام، زیارت قبر پیغمبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه زهرا(س) و ائمه طاهرین (ع) را سفارش کرده و ثواب فراوان برای زیارت قبور آنان مقرر گردانیده است و برای زیارت مرقد مطهر هر یک از آنان روزها و شبها و ساعات بخصوصی را معین کرده است که در آن ایام و ساعات، زیارت فضیلت بیشتری دارد. اگر در دنیای امروز برای سرباز گمنام آرامگاه می‌سازند تا مردم را به دفاع از میهن تشویق کنند و با این کار از سپاهیانی که در میدانهای جنگ کشته شده‌اند تجلیل می‌کنند، اسلام پیشوایان شناخته شده‌ای داشته است که پیروی آنان خیر دنیا و آخرت و خوشبختی در جهان را به دنبال دارد. از این رو مشاهده می‌کنیم که حرم مطهر پیغمبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) کانون تابش اسلام و مرکز انواع سعادت و کرامت است و

زوار از نـور و صـفای این مشاهـد مشـرفه کسب فیض می‌کننـد، و حلقه‌هـای پیروی و اطاعت خود را بـا پیشوایـان آسـمانی خویش مستحکم‌تر می‌کننـد، و سرچشـمه‌های سعادت و رفاه را در وجود و زنـدگی خویش جوشان می‌یابند. بخصوص، برای پیغمبر اکرم (ص) و ائمه طـاهرین (ع) زیارتنـامه هـایی مـأمور است که سراسـر درس زنـدگی و آیین بهزیستی است. مثلاًـ در یکی از زیارتهای حضـرت علی (ع) می‌گـوییم: (العـادل فی‌الرعیه، والقـاسم بـالسویه) که منشور عـدالت است و تسـاوی حقوق. در یکی از زیارتهـای حضـرت امام حسـین (ع) می‌خوانیم: (اشهد انک طهر طاهر، من طهر طاهر مطهر، طهرت و طهرت بک‌البلاد، و طهرت ارض انت بها و طهر حرمـک) که درس پـاکی دل و جسم وجـان و روح و روان است و اشـاره به این نکته دارد که انسـان رسالت دارد زمین را از فساد پاک گردانـد چطور ممکن است پیرو چنین امامی باشـد، و زیارت وی این اثر را روی او نداشته باشد که تا جان در بدن دارد در مبارزه با فساد بکوشد. س: آیا تعیین موسم زیارت برای زیارت پیغمبر و امامان فایده‌ای دارد؟ ج: آری، همان فوایدی که در باره حـج گفتیم. در موسم زیارتی هریک از امامان نیز مردم از مکانهای مختلف برای زیارت می‌آیند، و همان فوایدی که بر تجمع مردم در مکه مکرمه مترتب بود، در مورد زیارتگاهها هم مصداق پیدا می‌کند.

دعا

س: دعا یعنی چه؟ و فایـده‌اش چیست؟ ج: دعا عبارت است از سـخن گفتن انسان با خداونـد متعال، انسان با خدا راز و نیاز کند، از روزگار و اوضاع زمان شکایت کند. تقدیس و تسبیح پروردگار کند. نعمتهای او را بر شمارد. امیدواری به رحمت و ترس از عقاب خداونـد را به درگـاه او اظهار دارد. فوایـد دعا از این قرار است: ۱ ـ تحکیم رابطه انسـان و آفریـدگار جهان. ۲ ـ تقویت روح. وقتی انسـان خود را در ارتبـاط بـا نیروی لایزال می‌بینـد، روحش نیرومنـدتر می‌گردد، و روح نیرومنـد، دلیری می‌آورد و انسان را صاحب اراده می‌گرداند. ۳ ـ آرامش دل و اطمینان خاطر، که مشـعلی فراراه سـعادت انسان است. ۴ ـ زنـده کردن میل فطری انسان به فضائل اخلاـقی و نفرت بـاطنی انسان از رذائل اخلاقی. ۵ ـ شـناسایی بیشتر نیکی‌ها و بـدی‌ها که در دعاها یاد می‌شونـد. ۶ ـ از همه مهمـتر، اجابت دعا است. خداوند سبحان پاسخ دعا را می‌دهد: و قال ربکم ادعونی استجب لکم(۲) و واضح است که با اجابت دعای انسان از طرف خدای جهانیان، همه نیازهای دنیا و آخرت برآورده میشود. دعا در اسلام یک مکتب اصلاحی پویا است که در هیچ دین و مرامی نظیرش پیـدا نمی‌شـود، و از وقـتی کـه انسـان دست راست و چپش را می‌شـناسد برایش سودمنـد است و تـا آخرین روزهـای زندگیش از آن بهره‌مند می‌گردد. س: نمونه‌ای از دعاهایی که اشاره گردید ذکر کنید. ج: حضـرت امام زین‌العابدین (ع) در دعای مکارم الاخلاق (دعای بیسـتم صحیفه سجادیه) به درگاه خداوند این چنین راز و نیاز می‌فرماید: واغننی، و اوسع علی فی‌رزقک، ولا تفتنی بالبطر. واعزنی، ولا تبتلینی بالکبر. و عبـدنی لک، ولا تفسـد عبادتی بالعجب. واجر للناس علی یدی الخیر، ولا تمحقه بالمن. و هب لی معـالی الاخلـاق، واعصـمنی من‌الفخر. ترجمه: و به مـال بی‌نیـازم گردان، و روزی را بر من فراخ کن، اما به ناسپاسـی و خود پرستی مبتلاـ مسـاز. و رتبه ارجمنـد ده، و به کبر و منت آزمـایش مفرما. و توفیق عبادت ده، و به ناز و خودپسـندی عبادت مرا فاسـد مکن. و خیر بر دست من برای مردم جاری کن، و به منت نهادن آن را ضایع مساز. و به خوی نیک آراسـته‌ام دار، و از بالیدن و فخر کردن حفظم نما. اللهم صل علی محمّـد و آله. و سددنی لان اعارض من غشـنی بالنصح. و اجزی من هجرنی بالبر واثیت من حرمنی بالبذل. واکافی من قطعنی بالصله. و اخالف من اغتابنی الی حسن الذکر. و ان اشکر الحسنه، واغضی عن السیئه. ترجمه: خدایا! درود بر محمـد و خانـدان او فرست. و توفیقم ده که خیرخواهی آنکس کنم که بدخواهی من کرد. و به آشتی تلافی کنم آن را که از من برید. و به بخشش پاداش دهم آنکه مرا نومید کرد. و به پیوندم رشته الفت آن را که از من بگسست. و به نیکی یاد کنم کسی را که غیبت من میکنـد، و اینکه خوبی را سـپاس بگذارم، و از بدی چشم پوشم. اللهم صل علی محمد و آله. ولا اظلمن و انت مطیق للدفع

عنی. ولا ـ اظلمن و انت القادر علی القبض منی. ولا اضلن و قد امکنتک هدایتی. ولا افتقرن و من عندک وسعی. ولا اطغین و من عندک و جدی. ترجمه: خداوندا! درود بر محمد و آل او فرست و مگذار بر من ستم رود، با آنکه تو بر دفع آن قادری. یا من بر کسی ستم کنم و تو می‌توانی مرا باز داری، و گمراه نشوم چون هدایت من به دست تواست، و تنگدست نگردم با آنکه گشایش کار من از دست تو برآید، و سرکشی نکنم، چون دارائی من از تواست(۳). با مطالعه و دقت در دعاهای پیغمبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) که قسمتی از آنها در کتاب القرآن والدعاء (بحارالانوار) مرحوم علامه مجلسی(ره) و کتاب (مفاتیح الجنان) مرحوم محدث قمی(ره) و (صحیفه سجادیه) گردآوری شده است، این موضوع روشن می‌شود که دعا بزرگترین گنجینه شادکامی و رمز خوشبختی انسان در دنیا و آخرت است. نماز جماعت. س: منظور از نماز جماعت چیست؟ ج: اسلام پیروانش را تشویق می‌کند که نمازهای یومیه را به جماعت بخوانند، یعنی هنگام نماز اجتماعاتی برپا کنند و هرگروه به یک امام جماعت عادل اقتدا کنند. نخستین نماز جماعت به امامت حضرت رسول اکرم (ص) که نماز جماعت را تشریع فرمود، برگزار شد، و از آن زمان تا کنون در اطراف و اکناف کشورهای اسلامی جهان نماز جماعت برقرار شده است. مسلمانان به هنگام صبح برای ادای نماز صبح، و هنگام ظهر برای ادای نماز ظهر و عصر، و هنگام مغرب برای ادای نماز مغرب و عشاء در مشاهد مشرفه و مساجد اجتماع می‌کنند، و یک نفر از آنان که به فضائل اخلاقی و شایستگی شناخته شده است جلو می‌ایستد، و نماز واجبشان را با او می‌خوانند، و به همراه او قیام و قعود و رکوع و سجود می‌کنند. س: فایده نماز جماعت چیست؟ ج: فواید نماز جماعت بسیار است، از جمله: ۱ ـ وحدت مسلمانان: مسلمانان هر روز دور هم یکجا جمع می‌شوند. رئیس در کنار مرئوس، سفید پوست در کنار سیاهپوست، و ثروتمند در کنار مستمند می‌ایستند. همه در پیشگاه یک پروردگار هیچکس با دیگران تفاوت ندارد. همه یک احساس دارند. اختلافات طبقاتی و امتیازات از میان می‌رود. سرچشمه همه خیرات هم همین است. ۲ ـ تعاون: مردم در کنار هم گرد می‌آیند. با وضع زندگی یک دیگر آشنا می‌شوند. نیازمندیهای یکدیگر را درک می‌کنند. به درد یکدیگر می‌رسند. از یکدیگر دلجویی می‌کنند. و اگر یک روز یکی از آنان به نماز حاضر نشد، از احوال او جویا می‌شوند. اگر دچار مصیبت و محنتی شده باشد در پی رفع گرفتاریش بر می‌آیند. و اگر بیمار شده باشد به عیادش می‌روند. ۳ ـ عادت به نظم: کسانی که بیشتر اوقات به جماعت نماز می‌گذارند، چون نماز جماعت نمودار نظم است، رفته رفته، نظم و انضباط جزو طبیعت آنان می‌شود و تمام حرکات و سکنات آنان را تحت نظم در می‌آورد. ۴ ـ وعظ و ارشاد: قبل از نماز جماعت یا بعد از آن معمولاً خطابه‌ای برای مردم ایراد می‌شود، و مردم از حوادث و رویدادهایی که به زندگی مسلمانان ارتباط پیدا می‌کند با خبر می‌شوند، و در غم و شادی و اندوه ستمدیدگان مسلمان در اقصی نقاط عالم، خود را سهیم می‌بینند. به همین جهت مشاهده می‌کنیم کسانی که غالبا به نماز جماعت حاضر می‌شوند، مردمی فهمیده و اندیشمندند و در اثر وعظ و ارشادی که در پرتو نماز جماعت صورت گرفته است، این افراد پاکیزه‌تر و پارساتر و پیراسته‌تر از دیگران هستند. و امتیازشان در همه زمینه‌های گوناگون زندگی آشکار است.

امر به معروف و نهی از منکر

س: منظور از امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ ج: اسلام به همه کارهای نیک امر فرموده است. بعضی را امر کرده و واجب گردانیده، و بعضی دیگر را سفارش کرده و مستحب شمرده است. و به طور کلی همه کارهای نیک را معروف نامیده، و کارهای زشت و بد را منکر. خیلی واضح است که بعضی مردم از روی نادانی یا بی‌توجهی معروف را ترک می‌کنند، یا منکر را مرتکب می‌شوند. از این رو، اسلام مسلمانان را امر فرموده است که امر به معروف کنند و نهی از منکر. و با اجرای این حکم اسلام است که کژی و کاستی‌های جامعه به درستی و راستی تبدیل می‌شود، و مردم منافع حقیقی خود را تشخیص می‌دهند، و مفاسد و جنایات از

جامعه رخت بر می‌بندد. قرآن کریم می‌فرماید: (کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن‌المنکر)(۴) یعنی: شما مسلمانان بهترین مردمان هستید و امر به معروف و نهی از منکر میکنید. حضرت رسول اکرم (ص) مثال جالبی برای لزوم نهی از منکر ارائه فرموده است: عده‌ای بر یک کشتی سوارند و کشتی روی آب در حرکت است. یکی از مسافران به سوراخ کردن گوشه‌ای از کشتی می‌پردازد. اگر مسافران جمع شوند و دستش را بگیرند و از سوراخ کردن کشتی بازش دارند، هم آن شخص نجات می‌یابد هم دیگر مسافران، اما اگر او را بحال خودش واگذارند تا کشتی را سوراخ کند، همه به هلاکت خواهند افتاد. حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: با کوشش هرچه تمامتر امر به معروف و نهی از منکر کنید و باید این عمل را انجام دهید در غیر این صورت، اشرار بر شما مسلط خواهند شد و دیگر هرچه دعا کنید مستجاب نخواهد شد!

اعتکاف

س: اعتکاف چیست؟ ج: ماندن سه روز یا بیشتر در مسجد اعتکاف گویند. کسی که معتکف می‌شود باید روزها را روزه بگیرد، و بسیاری از کارها را که با تقرب به خداوند منافات دارد کنار بگذارد، و جز برای رفع نیازهای ضروری نباید از مسجد خارج شود. س: اعتکاف چه فایده دارد؟ ج: روح انسان اوج می گیرد. از تمایلات جسمانی بریده می‌شود، اندیشه صاف و پاکش جوشش می گیرد. این چند روز فرصتی است که انسان با خیال راحت و در نهایت آسایش و آرامش و طهارت روح و بدن بسر برد و لذت زندگی واقعی انسانی را بچشد. بارها دیده‌ایم که مثلاً رئیس جمهوری یا صاحب منصبان دیگر برای چند روزی همه کارهایشان را تعطیل می کنند و برای استراحت به منزل ییلاقی شان می‌روند، یا به ساحل دریا روی می‌آورند، تا در اثر این استراحت، شادابی و تحرک خود را بازیابند، و بتوانند در کارهای خود به درستی فکر کنند و مدتی از سر و صدای جمعیت بدور باشند. با مقایسه این کار با اعتکاف، به این نتیجه می‌رسیم که اعتکاف فضیلت و معنویت بیشتری دارد به دلیل اینکه: اولاً ـ اعتکاف با روزه همراه است و فواید روزه ناگفته معلوم است. ثانیاً ـ اعتکاف سراسر توجه به خداوند است که مصدر هر چیز، و الهام بخش هرآسایش و آرامشی است. ثالثاً ـ اعتکاف در مسجد انجام می‌پذیرد که محل طاعت و عبادت است، و در محیطی برگزار می‌شود که صدق و صفا و بی‌پیرایگی و دوری از گناهان برآن حکمفرما است. در علوم جدید به اثبات رسیده است که محل انجام هرکاری روح خود آن عمل و بجای آورنده‌اش تأثیر بسزایی دارد. اگر مکان مقدس باشد، انسان را به پاکی و پیراستگی دعوت می کند، و اگر آلوده و ناپاک باشد انسان را به خیانت و جنایت سوق می‌دهد.

امور خیریه

س: امور خیریه از نظر اسلام کدامند؟ ج: اسلام هرکار نیکی را (خیر) نامیده است و مردم را امر فرموده که داعی خیر باشند: (ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر)(۵) و همچنان که خود در کارهای خیر می کوشند، دیگران را نیز به امور خیر ارشاد میکنند. اسلام ثواب ارشاد و دعوت به کار خیر را با ثواب خود عمل خیر یکسان دانسته است. در حدیث آمده است: (الدال علی‌الخیر کفاعله) یعنی: کسی که مردم را دلالت به کارهای خیر می کند مانند آن است که آن کارهای خیر را خودش شخصاً انجام داده باشد. کارهای خیر دو نوع است: یک دسته از کارهای خیر را اسلام صریحاً نام برده و انجام آنها را از مسلمانان خواسته است. مانند:، نماز، دستگیری درماندگان و سیر گردانیدن گرسنگان. دسته دیگر کارهای خیری هستند که جزء به جزء مورد تأیید و تأکید قرار نگرفته‌اند، ولی مصداق عنوان کلی خیر هستند. مانند: ساختن مدارس، درمانگاهها، تشکیل انجمن‌های خیریه به منظور پوشاک

و خوراک رسانیدن به فقیران و فراهم کردن وسائل ازدواج جوانان مستمند و بی‌بضاعت. بنا بر این از نقطه نظر اسلام، مسلمان کسی است که هم خود در امور خیریه تلاش کند و هم دیگران را به امور خیریه دعوت کند. از سوی دیگر در منطق اسلام حتی کنار زدن پاره آهن یا تخته سنگ از کوچه و خیابان صدقه و کار خیر به حساب می‌آید. براستی، اگر همه جهانیان رهنمودهای اسلام را در زمینه عمل خیر و دعوت به کار خیر، سرمشق زندگی خویش قرار می‌دادند یک نفر نیازمند هم پیدا نمی‌شد، دنیا بهشت برین می‌شد و خیر و آسایش و انس و الفت از کران تا کران جهان را در بر می گرفت.

جشن‌ها و سوگواری ها

س: منظور از برگزاری جشن‌ها و سوگواری‌های مذهبی چیست؟ ج: اسلام، جشن گرفتن و به سوک نشستن در سالروزهای ولادت و شهادت پیغمبر اسلام (ص) و ائمه طاهرین (ع) را مستحب گردانیده، و تعظیم شعائر مذهبی را تشویق و تأیید قرار داده، و برای بعضی از آنها اجر و ثواب فراوان مقرر فرموده است. در حدیث آمده است: (شیعتنا منا یفرحون لفرحنا، و یحزنون لحزننا) یعنی: شیعیان ما از ما هستند. در شادی ما شادمانند و در اندوه ما اندوهگین. س: فایده این کارها چیست؟ ج: فواید بسیاری دارد از جمله: ۱ ـ تشویق مردم به کار خیر: وقتی مردم می‌بینند که از نیکوکاران و مصلحان جهان چگونه تجلیل می‌شود، به کارهای خیر تشویق می‌شوند، و در صدد بر می‌آیند کاری کنند که مورد عزت و احترام مردم قرار گیرند. نیاز به توضیح ندارد که تجلیل از بزرگان دین، مردم را به خیر و صلاح تشویق می کند و از شر و فساد برحذر می‌دارد، و روح حق پرستی و مبارزه با فساد را در جامعه زنده می کند. ۲ ـ سرمشق زندگی: وقتی کسی در نظر انسان بزرگ جلوه کند انسان خواه ناخواه زندگی خود را به رنگ زندگی او در می‌آورد و در همه امور به او تأسی می کند. این خاصیت روح و روان آدمی است که به ترقی و تعالی تمایل دارد، و می کوشد تا والاترین رتبه انسانیت را به خود اختصاص دهد و در سطح بالاتری از معنویت و فضیلت قرار گیرد. ۳ ـ تجلیل از مصلحان جهان: این حق مسلم یک مصلح اجتماعی است که مردم از زنده و مرده او تجلیل به عمل آورند. ۴ ـ اجتماعات: جشن‌ها و سوگواری‌ها معمولاً در اجتماعات پرشکوهی انجام می‌شود، و همان فوایدی را که در باره حج و نماز جماعت بر شمردیم، در بر دارد. از این گذشته اصولاً ـ یادبود تولد یا وفات و شهادت بزرگان دین، همیشه با ارشاد و اصلاحات و تبلیغ دین همراه است. ۵ ـ مظاهر عظمت: وقتی اعیاد یا سوگواری‌های اسلامی با آثاری در وضع ظاهر افراد مانند پوشیدن زیورآلات در اعیاد و پوشیدن لباس سیاه در سوگواری‌ها همراه باشند، اثر مطلوب بهتر گرفته می‌شود، و چشم به کمک گوش می‌آید و از آنچه می‌بینند الهام می گیرد، و مردم خود بخود بسوی کارهای نیک سوق داده می‌شوند، و از کارهای بد اجتناب می کنند. س: اعیاد و سوگواری‌های مهم مذهبی کدامند؟ ج: برخی از اعیاد و سوگواری‌های مهم اسلامی، عبارتند از: ـ عید مولود حضرت رسول اکرم (ص)، حضرت فاطمه زهرا(س) و دوازده امام (ع). ـ عید مبعث روزی که حضرت رسول اکرم (ص) مبعوث به رسالت اسلام گردید.۲۷ رجب. ـ عید غدیر روزی که حضرت رسول اکرم (ص) علی (ع) را در محل غدیر خم در روز ۱۸ ذی‌الحجه به عنوان خلیفه و جانشین خویش منصوب فرمود و به مردم معرفی کرد. ـ سالروز رحلت پیغمبر اکرم (ص)، حضرت فاطمه زهرا(س)، و یازده فرزند آن حضرت. ـ عید فطر اول ماه شوال. ـ اربعین امام حسین (ع) ۲۰ صفر. ـ عید قربان. دهم ذی‌الحجه.

تولی و تبری

س: تولی و تبری چیست؟ ج: انسان، کسی را که دوست دارد سعی می کند به او نزدیک شود و از کردار و گفتارش پیروی می کند.

از کسی هم که دوستش نـدارد و نفرت دارد، دوری می‌کند و کوشش می‌کند که در اعمال و رفتار درست نقطه مقابل او باشد. دوستی و پیروی، تولی است و نفرت و دوری، تبری. س: با چه کسانی بایدتولی داشت، و از چه کسانی تبری؟ ج: تولی با خدا و پیامبران و امامان و نیکان. و تبری از دشمنان خدا و پیغمبران و امامان و نیکان. کسی که خدا و بندگان شایسته او را دوست بدارد، از دل و جان به آنان نزدیک می‌شود و از آنان پیروی می‌کند، و به سعادت دنیا و آخرت می‌رسد. همچنین کسی که از دشمنان پاکان و نیکان دوری می‌گزینند، از کارهای زشت آنان عبرت می‌گیرد و می‌کوشد که اثری از کردار و رفتار و صفات ناپسند آنان در وجودش نباشد. عشق و نفرت دو غریزه انسانی هستند که زندگی هیچکس خالی از آثار این دو غریزه نیست. از دیدگاه این دو غریزه، مردم به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱ ـ نیکان و پاکان و بندگان شایسته خدا. ۲ ـ دشمنان خدا و اولیای خدا. ۳ ـ بیطرف‌ها و بی‌تفاوت‌ها مانند: جاهلان قاصر، روستاییان و بیابان نشینان. مسلمان باید غریزه عشق را با دوستی و محبت بندگان شایسته خدا، و غریزه نفرت را با کینه دشمنان خدا و اولیای خدا، سیر گرداند. بنا بر این، تولی و تبری در اسلام نوعی پاسخگویی به این دو غریزه انسانی است که منافع و مصالح دنیا و آخرت بشر را نیز در بر دارد. س: آیا غریزه سیر شدنی است؟ ج: غریزه‌های دوستی، نفرت، اندوه، و دیگر غریزه‌های انسانی درست مانند شکم باید سیر شوند. اسلام خوراک لازم و مفید را برای غرائز در نظر گرفته تا انسان مایه بدبختی و رمز خوشبختی خود را دریابد، و به آنچه سودمند می‌بیند روی آورد و از آنچه زیان‌آور است دوری کند.

۱ ـ سوره اعراف: آیه ۲۹. ۲ ـ سوره غافر: آیه ۶۰. ۳ ـ ترجمه این فرازها از دعای مکارم‌الاخلاق عینا از ترجمه عالم جلیل مرحوم حاج میرزا ابوالحسن شعرانی(ره) نقل شده است (صحیفه کامله سجادیه با ترجمه و شرح فارسی: ص۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۲) تهران، اسلامیه، ۱۳۷۸ق. ۴ ـ سوره آل عمران: آیه ۱۱۰. ۵ ـ سوره آل عمران: آیه ۱۰۴.

آزادی در اسلام

آزادی در اسلام

س: آیا در اسلام آزادی وجود دارد؟ ج: البته اسلام دین آزادی و آزادگی به تمام معنی کلمه است. وسعت دامنه آزادیهای فردی و اجتماعی در دین اسلام با هیچیک از ادیان آسمانی و قوانین بشری قابل مقایسه نیست. س: دلیل این مطلب از کتاب و سنت چیست؟ ج: در قرآن کریم، رسالت پیغمبر اسلام (ص) اینطور توصیف شده است: (و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم والاغلال التی کانت علیهم)(۱). زنجیرهایی که روابط اجتماعی دوران جاهلیت، و خرافاتی که در آن زمان رواج داشت و برگردن مردم انداخته بودند و آزادی را از آنان سلب کرده بودند، پیغمبر اسلام (ص) همه را به یکسو افکند و مردم را آزاد ساخت. مردم برده مقیدات اجتماعی و نادانی هایشان بودند. پیغمبر اسلام (ص) همه را آزادی و آزادگی بخشید. این قاعده مشهور فقهی نیز که از کتاب و سنت گرفته شده است: (الناس مسلطون علی انفسهم و اموالهم) یعنی: مردم اختیار جان و مالشان را دارند حاکی از این است که انسان هر طور که می‌خواهد می‌تواند در بدن و اموال خود تصرف کند، البته مشروط بر اینکه تصرف او از نظر شرع مقدس اسلام حرام نباشد. س: برای تصرف حرام در بدن، از نظر اسلام مثال بزنید. ج: تصرف حرام در بدن، مانند خودکشی یا خود را ناقص‌العضو کردن مثلاً کسی دست خود را قطع کند یا خود را نابینا سازد و یا گوش خود را کر کند. تصرف حرام در مال، مانند اینکه انسان پول خود را در دریا بریزد، یا اسکناسهایش را آتش بزند، یا جنس حرامی مانند شراب بخرد، یا به زنان بدکاره بدهد، یا قمار کند. محرمات در اسلام بسیار اندک‌اند. چیزها و کارهایی هم که تحریم شده‌اند، به خاطر مصالح فردی

و اجتماعی بوده است. بنا بر این، از میان تصرفات بیشماری که شخص می‌تواند در بدن و اموال خود بکند، همین چند گونه تصرف حرام شده است. اسلام از نظر کمی محرمات، در مقایسه با ادیان آسمانی دیگر و قوانین بشری بی‌نظیر است. س: آزادی در اسلام چند نوع است؟ ج: آزادی‌ها در اسلام قابل برشمردن نیست. ما در اینجا ۱۰ نوع آزادی که در اسلام مورد توجه قرار گرفته و نسبت به موارد دیگر کلی‌تر است، یادآور می‌شویم: ۱ ـ آزادی بازرگانی: همه‌کس می‌تواند هر کالایی را که بخواهد بخرد و بفروشد مشروط بر اینکه حرام نباشد، مانند: شراب و خوک و هر وقت که بخواهد تجارت کند، و به هرجا که بخواهد کالایش را بفرستد، و از هرجا که بخواهد کالاـ وارد کند گمرک و مرز وجود ندارد و هیچ قید و شرطی در کار نیست. ۲ ـ آزادی کشاورزی: همه می‌توانند با آزادی کامل به کشاورزی بپردازند. هیچ قید و بندی ندارد. مالیات به در آمد کشاورز تعلق نمی‌گیرد. هر قدر بخواهد و در هر مقدار زمین که بخواهد می‌تواند کشت کند. زمین از آن خدا و از آن کسی است که آبادش کند. چنانکه در حدیث آمده است: (ان الارض لله و لمن عمرها). ۳ ـ آزادی صنعت: هر کس می‌تواند کارخانه احداث کند، کارخانه وارد و یا صادر کند، هرچیزی که بخواهد بسازد و برای صنایع هم هیچگونه مالیات و شرط و قیدی وجود ندارد. ۴ ـ آزادی تملک اراضی و دیگر منابع طبیعی: زمین و آب و هوا از آن خدا است. پس ثروتهای درون آنها هم از آن کسی است که استخراجش می‌کند مانند: ماهی، معادن، گنج، چوب جنگل، هوا و غیره. ۵ ـ آزادی آباد کردن زمین: هر شخص می‌تواند هر زمینی را که بخواهد آباد کند، ساختمان بسازد، نهر جاری کند، چاه حفر کند و هر نوع سودی از آن ببرد. به دلیل قاعده (الارض لله و لمن عمرها) یعنی: زمین ملك خداست و کسی که آبادش ساخته می‌تواند آن را تملک کند. ۶ ـ آزادی سفر: انسان می‌تواند به هرجا که بخواهد مسافرت کند و نیازی به تذکره و ویزا گرفتن و دادن مالیات و عوارض ندارد. هیچکس نمی‌تواند کسی را از مسافرت به هرسوی جهان که بخواهد باز دارد، انسان می‌تواند هر اندازه که بخواهد در سفر بماند. مدت سفر محدودیتی ندارد. اسلام مرزهای کشورها را برسمیت نمی‌شناسد. زمین از آن خدا است. انسان در روی کره زمین هر طور که بخواهد زندگی می‌کند و به سیر و سیاحت می‌پردازد. جالب‌تر اینکه، اسلام بودجه مخصوصی برای کسانی که در راه می‌مانند و خرجی آنان تمام می‌شود یا دچار دزد و راهزن می‌شوند، قرار داده است و از این راه مردم را به سفر تشویق می‌کند و به آنان جرأت سفرهای طولانی را می‌دهد. ۷ ـ آزادی اقامت: انسان می‌تواند در هر نقطه‌ای از جهان که بخواهد اقامت کند، وهیچ قید و شرطی ندارد. ویزا، تابعیت، هویت و مانند آن در اسلام جایی ندارد. انسان از نظر اسلام آزاد است و هیچ چیز نباید از او سلب آزادی کند. ۸ ـ آزادی بیان: همه آزادند هرچه می‌خواهند بگویند، هر نوع خطابه‌ای می‌خواهند ایراد کنند، هرنوع شعاری می‌خواهند بدهند و هیچ قید و شرطی هم در کار نیست. البته دشنام و غیبت و سخن چینی و امثال آن که به حیثیت و آبروی مردم لطمه وارد می‌کند، مجاز نیست. ۹ ـ آزادی تألیف و مطبوعات: همه می‌توانند هرچه بخواهند بنویسند، چاپ و منتشر کنند و هیچگونه محدودیتی وجود ندارد، فقط مشروط به اینکه به حیثیت و آبروی مردم لطمه نزنند. ۱۰ ـ آزادی اشتغال: اگر کسی بخواهد دو یا سه شغل و درآمد بیشتری داشته باشد، اسلام به هیچ وجه ممانعتی ندارد. در صورتی که در دنیای امروز، از نظر قانون داشتن بیش از یک شغل مثلاًـ هم کارمند دولت بودن و هم بازرگانی کردن ممنوع است. س: آیا مسلمانان پیش از آنکه حکومت‌های اسلامی در جهان رو به ضعف گذارند، از این آزادی‌ها برخوردار بوده‌اند. ج: آری، نه تنها مسلمانان بلکه غیر مسلمانان هم زیر سایه پرچم اسلام، از این آزادی‌ها برخوردار بودند. گاهگاهی هم که غیر از این می‌شده حالت استثنائی داشته و بعضی آزادی‌ها برای مدتی محدود ـ آن هم نه با عنوان شرعی و بطور قانونی و رسمی ـ از مردم سلب می‌گردیده است. اما با سقوط دولتهای اسلامی، امپریالیسم جهانخوار غرب زمام امور ساکنان نیمی از جهان را به دست گرفت. اختناق و اسارت انسانها را قانونی کرد. آزادی و آزادیخواهی جرم و جنایت به حساب آمد. هزاران قید و شرط برای زندگی بشر در نظر گرفته شد، صدها زنجیر به دست و پای انسان گذاشته شد و عملاً آزادی انسان‌ها سلب گردید. شگفت اینجاست که با این همه، امپریالیسم آمریکا و جهان غرب مدعی است که بشریت را نجات بخشیده است و همواره سنگ

حقوق بشر را به سینه می‌زنند.

۱ ـ سوره اعراف: آیه ۱۵۷.

اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی

س: آیا اسلام دارای یک سیستم اقتصادی است؟ ج: البته اقتصاد سالم و آزاد، تنها در اسلام مطرح است و بس. سیستمهای اقتصادی موجود در دنیای امروز، هیچکدام اقتصاد سالم نیستند. اقتصاد سرمایه‌داری، مسئله توزیع عادلانه ثروت را بکلی به دست فراموشی سپرده است. عده معدودی سرمایه‌دار میلیون‌ها میلیون سرمایه را به خود اختصاص داده‌اند، و در دریایی از پول و تجملات غوطه می‌خورند در حالیکه در کنار آنان، روزانه هزاران نفر از شدت گرسنگی و برهنگی جان می‌دهند. اقتصاد کمونیستی، مالکیت خصوصی را از بین برده و اقتصاد جامعه را به کلی تباه ساخته است. در نتیجه در کشورهای کمونیستی، مردم در بدترین شرایط، زندگی می کنند. س: اقتصاد اسلامی چگونه است؟ ج: تشریح اقتصاد در اسلام، لازمه‌اش تألیف کتابهای مفصل در این زمینه است(۱). ما در اینجا فقط به خطوط اصلی و قوانین کلی اقتصاد اسلامی می‌پردازیم، و اینکه چگونه اقتصاد اسلامی می تواند فقر و احتیاج را از جامعه ریشه‌کن سازد. خطوط اصلی اقتصاد در اسلام از این قرارند: اول: آزادی همه جانبه انسان: مردم در سایه حکومت اسلامی از آزادی همه جانبه برخوردارند. از این رو با جدیت و اخلاص کار می کنند، و راه پیشرفت از هر طرف برویشان باز است، طولی نمی‌کشد که در ردیف ثروتمندان قرار می گیرند، در یک جامعه اسلامی کمتر انسان نیازمندی را می‌توان یافت که واقعا راهی برای تأمین هزینه زندگیش نداشته باشد. در اسلام، منابع اصلی درآمد بدون هیچ قید و شرطی در اختیار همه انسانها قرار دارد و مالیات و عوارض هم به آنها تعلق نمی گیرد. بنا بر این، هرکس به سهم خود به شغلی می‌پردازد و از دسترنج خویش روزی می‌خورد و اضافه هم می‌آورد. اما، در چارچوب قوانین موجود در جهان: ـ منابع در آمد انحصاری هستند، و کسی حق بهره‌برداری از آنها را ندارد. ـ منابع مجاز در آمد هم، با انواع مالیات و عوارض محاصره شده‌اند. ـ بهره‌برداری از این منابع نیز، مقید به شرایط و خط و نشانهایی شده است. واضع است با چنین وضعی، انسان به منابع اصلی در آمد دسترسی ندارد، و اگر هم به منابعی دست یابد، شرایط کار و قوانین مالیات از همه طرف راه را بر او می‌بندند. روی این حساب، گزاف نگفته‌ایم اگر بگوییم این قید و بندها سطح درآمد فرد و جامعه را از صد در صد به صدی بیست تنزل داده است. مثلاًـ کشور عراق در دوران حکومت اسلامی آباد بود. کشاورزی داشت، پیشرفتهای عمرانی داشت، اما در حال حاضر قسمت کوچکی از آن آباد است و باقی ویران. کشوری که در سایه حکومت اسلامی چهل میلیون مسلمان بر سر سفره کمکهای مادی و معنوی آن برخوردار بودند، در حال حاضر، جمعیت آن به۸ میلیون نمی‌رسد. دوم: سادگی حکومت اسلامی: در آغاز، وقتی اسلام عراق را فتح کرد، برای اداره فرمانداری عراق، فقط سه نفر ازمدینه اعزام شدند. راز این سادگی در بی‌آلایشی آن است که از نقطه نظر اسلام حکومت به سه منظور تشکیل می‌شود: ۱ ـ اجرای عدالت در جامعه. ۲ ـ حفظ مملکت از تجاوز دشمن. ۳ ـ بالاـ بردن سطح زندگی مردم. از طرف دیگر، حکومت اسلامی این امتیازات را دارد: ۱ ـ کاملاً ملی است. ۲ ـ تقیدات و تجملات را کنار گذاشته است و به تشکیلات فراوان نیازی ندارد. ۳ ـ مشکلات را به سرعت حل می کند. ۴ ـ حس اعتماد در مردم بوجود می‌آورد و ایمان و وجدان را حاکم می گرداند. به همین جهت، نیازی به تشکیلات گسترده ندارد. کارمندان دولت بسیار معدودند، پول فراوان است و در نتیجه، سطح اقتصاد از دو جهت بالا می‌رود: ۱ ـ

کارمند برای خودش کار نمی‌کند، هزینه زندگیش را باید بنا بر این مردم تأمین کنند. وقتی کارمندان دولت معدود باشند، پولی که باید صرف پرداخت حقوق آنان شود، اضافه می‌آید، و دولت از نظر پول در مضیقه قرار نمی‌گیرد، و دستش برای اجرای طرحهای حیاتی در کشور باز می‌ماند. ۲ ـ کسانی که کارمند دولت نیستند، برای خودشان کار می‌کنند و تولید کننده هستند، در صورتی که اگر کارمند باشند، مصرف کننده هستند بنا بر این، هراندازه در جامعه‌ای کارمند دولت کمتر باشد در آمد سرانه در آن جامعه بیشتر خواهد بود. مثال: ده نفر باهم در یک خانه زندگی می‌کنند و هریک از آنان می‌تواند روزانه یک دینار در آمد داشته باشد. از این ده نفر، اگر پنج نفر کارمند بشوند و اداره امور خانه را به عهده گیرند و قرار براین شود که بقیه اهل خانه مشترکاً هزینه زندگی این پنج نفر را بر عهده بگیرند، درآمد سرانه از یک دینار به نیم دینار کاهش می‌یابد، یعنی نصف می‌شود. زیرا، مجموع درآمد اهل خانه پنج دینار است که باید به ده نفر تقسیم شود. اما اگر، از این ده نفر، فقط یک نفر کارمند بشود و اداره همه کارها را بر عهده همین یک نفر بگذارند، مجموع درآمد اهل خانه۹ دینار می‌شود که با تقسیم آن به ده نفر، در آمد سرانه فقط یک دهم کاهش می‌یابد. سوم: بیت المال: بیت المال عبارت است از خزانه دولت اسلامی که خمس و زکات و جزیه و خراج(۲) از هرسو به آن سرازیر می‌شود. بیت‌المال دو وظیفه دارد: ۱ ـ رفع نیازهای مردم. ۲ ـ اجرای طرحهای عام المنفعه. ـ بیت‌المال به نیازمندان آنقدر پول می‌دهد که از حالت فقر بدر آیند و بی‌نیاز شوند. ـ به مسافران در راه مانده، هزینه سفر می‌دهد تا به وطنشان باز گردند. ـ به جوانانی که می‌خواهند ازدواج کنند، پول می‌دهد تا بتوانند زن بگیرند. ـ به بیمارانی که از عهده پرداخت پول دارویشان برنمی آیند، کمک می‌کند تا بهبود یابند. ـ به کسانی که سرمایه ندارند و می‌خواهند به کسب و تجارت بپردازند، سرمایه می‌دهد. ـ به کسانی که خانه ندارند و احتیاج به خانه دارند، کمک می‌کند تا بتوانند خانه بسازند. ـ به دانشجویانی که هزینه تحصیل ندارند، کمک هزینه می‌دهد. بطور کلی، نیازمندان جامعه همه به بیت‌المال مراجعه می‌کنند و بیت‌المال موظف است نیازشان را مرتفع سازد. جالب‌تر اینکه پولی که بیت‌المال در اختیار نیازمندان و مستمندان می‌گذارد، به هیچ وجه جنبه بخشش و احسان ندارد. بیت‌المال وظیفه دارد به همه امور عام المنفعه رسیدگی کند. خیابان کشی کند، روشنایی شهر و جاده‌ها را تأمین کند، درمانگاه بسازد، مدرسه باز کند، مسجد بسازد. بیت‌المال باید کاری کند که در جامعه نیازمندی وجود نداشته باشد، و هیچیک از طرح‌های عمرانی و اجتماعی و اقتصادی جامعه بی‌پشتوانه نماند. با این ترتیب، اسلام با استفاده از همین روشهای یاد شده توانسته است سطح اقتصاد جوامع اسلامی را بالا ببرد. و به همین جهت اقتصاد اسلامی برترین سیستم اقتصادی موجود در جهان به شمار می‌آید. اقتصاد اسلامی نه مانند کاپیتالیسم غربی، جامعه را دچار بحران می‌سازد و نه همانند سوسیالیسم شرقی، نیازهای اولیه مردم را نادیده می‌گیرند.

۱ ـ دانشمندان و محققان اسلامی، نظام اقتصادی اسلام را از دیدگاههای مختلف مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. به زبان فارسی نیز کتابهای ارزنده‌ای در این زمینه چاپ و منتشر شده است، از جمله: (اقتصاد در مکتب اسلام) تألیف سید موسی صدر و خود آگاهی اسلامی که در زمینه مقایسه بین سه اقتصاد شرقی و غربی و اسلامی است نوشته آیت الله سید حسن شیرازی. ناشر. ۲ ـ خراج، عبارت است از محصول زمینهایی که دولت تصرف کرده است، یا سپاهیان اسلام با کارزار به دست آورده‌اند، یا بهر ترتیب دیگری در اختیار مسلمانان قرار گرفته است.

اسلام آئین صلح

اسلام آئین صلح

س: اسلام دین صلح است یا جنگ؟ ج: اسلام آیین صلح است. در قرآن کریم آمده است: (یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافة)(۱) یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید: همگی به صلح روی آورید. (و ان جنحوا للسلم فاجنح لها)(۲) یعنی: اگر دشمن پیشنهاد صلح داد، بپذیر. س: بنا براین، آیا اسلام می گوید در برابر ستمگران و متجاوزان باید سر تسلیم فرود آورد؟ ج: نه هرگز اسلام دین عقل و عدل است، و ستمکشی از نظر اسلام مردود است. در قرآن کریم آمده است: (فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم)(۳) یعنی: پس هرکس بر شما تجاوز و ستم کند، شما نیز به همان اندازه او را مورد تجاوز و ستم قرار دهید. (اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر)(۴) یعنی: به کسانی که مورد محاصره دشمن قرار گرفته و مظلوم واقع شده‌اند، اجازه قیام داده شده و خداوند تواناست که آنان را یاری دهد. (وان عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به)(۵) یعنی: و اگر دست به انتقام زدید، همانگونه که با شما رفتار کرده‌اند با آنان رفتار کنید (و به همان اندازه که شما را شکنجه کرده‌اند، عذابشان دهید). س: اگر اسلام دین صلح است، چگونه جنگ با کفار را رخصت داده است؟ و چرا پیامبر اسلام به جنگ کفار رفته است؟ ج: جنگهای پیغمبر اکرم (ص) همه دفاعی بوده است(۶) و هیچکدام جنبه تعدی یا کشورگشایی یا تصرف زمین و استعمار و استثمار نداشته است. س: شما می‌فرمایید اسلام هیچوقت به جنگ ابتدائی دست نزده است؟! ج: چرا در مواردی که یکی از دو انگیزه زیر وجود داشته است: ۱ ـ در راه خدا: برای نجات بخشیدن مردم از آلودگیهای اعتقادی و اخلاقی و اجتماعی و غیره. ۲ ـ در راه مستضعفین: برای نجات بخشیدن ملتهای زیر ستم از سلطه ستمگران و استعمارگران. خداوند متعال می‌فرماید: (و مالکم لا تقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین)(۷) یعنی: چرا در راه خدا و در راه مستضعفین به کار زار کفار قیام نمی کنید. س: فرق جنگهای اسلامی با جنگهای غیر اسلامی چیست؟ ج: بطور اختصار عبارت است از: ۱ ـ جنگ اسلام، جنگ رهایی بخش است، رهایی بشریت از خرافات و آلودگی گناهان، نجات مستضعفین از چنگال استعمارگران و دفاع در برابر مهاجمان داخلی و خارجی. ۲ ـ اسلام در هنگام جنگ موازین اخلاقی را کاملاً رعایت می کند: ـ متعرض زنان، کودکان، بیطرف‌ها، زاهد، راهب و غیره نمی‌شود. ـ آب را بروی دشمن نمی‌بندد، آب آشامیدنی دشمن را زهرالود نمی کند و درختها را از بین نمیبرد. ـ تا آنجا که امکان داشته باشد، از شروع یا ادامه کارزار جلوگیری می کند. به مجرد آن که بر دشمن مسلط شد، اعلام عفو عمومی می کند. چنانکه حضرت رسول اکرم (ص) در مورد اهل مکه، و حضرت علی (ع) در باره اهل بصره، همین کار را کردند. ۳ ـ خوشرفتاری با مردم کشورهای فتح شده و دشمن شکست خورده: ـ همه افراد و گروههای جامعه را از عدال برخوردار می گرداند. ـ مناطق فتح شده را استثمار نمی کند و عایدات و محصول کشاورزی هر منطقه را به ساکنان همان منطقه می‌دهد. ـ در مورد اداره امور مناطق فتح شده استبداد به خرج نمی‌دهد و اگر در میان ساکنان منطقه افرادی واجد شرایط باشند، خود آنها را به حکومت می گمارد. ـ آزادی کامل و تساوی واقعی برقرار می کند. اما جنگهای غیر اسلامی رهایی بخش نیستند، بلکه درست بعکس، به منظور تحکیم پایه‌های استبداد انجام می گیرند. فاتحان بعد از چیره شدن بر دشمن به کشتار مخالفان می‌پردازند و پایه‌های استثمار و استبدادشان را با ایجاد ترس و خفقان محکم می کنند. آنچه در مقایسه جنگهای اسلامی و غیر اسلامی گفتیم، ادعا نیست بلکه تاریخ گواه این امتیازات اسلام است. ناگفته نماند ما منکر آن نیستیم که احیاناً ممکن است در بعضی فتوحات اسلام، از اصول یاد شده تخلفی شده باشد، یا اینکه در بعضی کشورگشایی‌های غیر اسلامی، اصول انسانی رعایت شده باشد، اما ربطی به اصول و قواعد کلی ندارد.

۱ ـ سوره بقره: آیه ۲۰۸. ۲ ـ سوره انفال: آیه ۶۱. ۳ ـ سوره بقره: آیه ۱۹۴. ۴ ـ سوره حج: آیه ۳۹. ۵ ـ سوره نحل: آیه ۱۲۶. ۶ ـ (الرسول فی‌المدینه) از مؤلف همین کتاب. ۷ ـ سوره نساء: آیه ۷۵.

حکومت اسلامی

حکومت اسلامی

س: آیا اسلام به سیاست توجه دارد؟ ج: البته اسلام هم دین است و هم برنامه زندگی. بنا بر این تمام مسائلی را که انسان با آن سر و کار دارد، بیان کرده و راه درست هرکاری را نشان داده است. س: حکومت در اسلام چه شکلی دارد؟ ج: بیان کیفیت حکومت اسلامی، نیاز به تألیفی جداگانه دارد(۱). ما در اینجا فقط به سه سؤال اصلی در این زمینه پاسخ می گوییم: ۱ ـ بالاـترین مرجع حکومت اسلامی کیست؟ ۲ ـ حکومت در اسلام چه کیفیتی دارد؟ ۳ ـ نظام حکومت اسلامی چه ضوابطی دارد؟ س: عالی‌ترین مرجع حکومتهای اسلامی کیست؟ ج: عالی‌ترین مقام حکومت اسلامی باید واجد شرایط زیر باشد: ـ بالغ و عاقل باشد. ـ آزاد باشد. ـ مرد باشد. ـ حلالزاده باشد. ـ مؤمن به اسلام باشد. ـ در امور دین و دنیا مطلع و صاحب نظر باشد. ـ عادل باشد. بعضی از فقهای اسلام این شرط را هم افزوده‌اند که باید از همه معاصرانش اعلم باشد. س: حکومت در اسلام چه کیفیتی دارد؟ ج: حکومت در اسلام یک حکومت دینی و دنیوی باهم است. به این معنی که در حکومت اسلامی، حاکم بنام خدا حکومت می کند نه بعنوان شخص خودش، نه بنام ملت، نه بنام اشراف و اعیان مملکت. چنین حکومتی دارای این امتیازات است: ۱ ـ از نظر اطاعت از دولت، مردم به هیچ وجه دچار تردید و سرگردانی نیستند. رهبری دینی، سیاسی، اجتماعی و... همه در یک نقطه متمرکز شده‌اند، و شخص حاکم شاخص دنیا و دین هردو می‌باشد. ۲ ـ برای حاکم امکان کج روی وجود ندارد. به مجرد آنکه دست از پای خطا کند فوراً رسوا می‌شود. زیرا قوانین دینی تغییر و تبدیل و تعدیل و تفسیر بر نمی‌دارند و حاکم هم ناچار است عیناً مطابق احکام شرع عمل کند. ۳ ـ روابط صمیمانه مردم با حکومت، سبب می‌شود که مردم از هر حیث با دولت همکاری کنند. مردم فطرتاً به تدین تمایل دارند. حتی کسانی که متدین هم نیستند به مظاهر دین ابراز علاقه می کنند. درست است که ایمان ندارند اما گوهر اصلی دین بالاخره در وجودشان هست. دین اصولاً عبارت است از روش زندگی. اگر دین و دنیا یک جا جمع شوند، کیست که به آن اظهار علاقه نکند. ۴ ـ حکومت اسلامی بقا و دوام دارد زیرا، قدرت روحانی و معنوی دوامش به مراتب بیشتر از قدرت اجتماعی است. س: نظام حکومت اسلامی چه ضوابطی دارد؟ ج: در پاسخ این سئوال با توجه به لزوم اختصار، فقط به بیان بعضی ضوابط و پایه‌های حکومت اسلامی می‌پردازیم به این ترتیب: ۱ ـ قضاوت در اسلام. ۲ ـ ارتش در اسلام. ۳ ـ مالیات در اسلام. ۴ ـ آزادی در اسلام. ۵ ـ مشکلات اجتماعی در اسلام. ۶ ـ ترقی و تکامل جامعه در اسلام. سه اصل اول، پایه‌های موجودیت هر ملت و دولتی است. قضاوت ستون عدالت، ارتش قوه قاهره برای دفع دشمنان و مالیات برای تأمین هزینه تشکیلات دادگستری و ارتش و دیگر نیازمندیهای مملکت. اصول۴ و۵ و۶ با یکدیگر موجبات ترقی و تعالی جامعه و رفاه مردم را فراهم می‌سازد. س: قضاوت در اسلام چگونه است؟ ج: ساده و سریع و رایگان. یک نفر قاضی یا حاکم شرع، به تمام مسائل حقوقی و قضائی و کیفری یک شهر بزرگ رسیدگی می کند خیلی ساده و بی‌تکلف و بدون درخواست پول و عوارض و غیره. به مجرد آنکه طرفین دعوا در حضور قاضی روبروی یک دیگر می‌ایستند، قاضی ازمدعی می‌پرسد: آیا دلیل و مدرکی داری؟ اگر داشته باشد حکم به نفع او صادر می‌شود، اما اگر دلیل نداشته باشد حکم به نفع طرف مقابلش داده می‌شود. و به مجرد صدور حکم قاضی، همه چیز تمام می‌شود. به همین جهت است که در تاریخ صدر اسلام می‌بینیم، کلیه امور حقوقی و قضائی و کیفری شهر بسیار بزرگی مانند کوفه را در حدود نیم قرن فقط یک قاضی اداره می کند. س: ارتش در اسلام چگونه است؟ ج: ارتش اسلامی چنانکه از ادله مختلف استنباط می‌شود همگانی است و اختیاری، و هیچگونه تشکیلات اضافی ندارد. برای آموزش نظامی، حاکم میدانهایی را خارج از شهر معین می کند، آلات و ادوات جنگی را فراهم می‌آورد و مردم را به آموزش و تمرین فنون جنگی تشویق می کند. ناگفته پیدا است که مردم به چنین تمرینی

رغبت نشان می‌دهند زیرا اولاً، عمومیت دارد. ثانیا، هیچکس را به سربازی اجباری نمی‌برند. داوطلبان هم فقط چند ساعت در شبانه روز به فراگیری فنون جنگی می‌پردازند و بقیه وقتشان را به زندگی شان می‌رسند. بودجه سازماندهی و بسیج تدارکات ارتش بر دوش دولت نیست، دولت فقط وسائل اولیه و ادوات جنگی را فراهم می کند، و بقیه تجهیزات بعهده خود مسلمانان است. ارتش در اسلام بیش از هرچیز شبیه یک تیم ورزشی است. س: مالیات در اسلام چگونه است؟ ج: مالیات اسلامی منحصر است به خمس و زکات و جزیه و خراج. و دولت اسلامی کلیه تشکیلات خود را با همین وجوهی که بیت‌المال می‌رسد، به بهترین وجه اداره می کند. تشکیلات دولتی در اسلام بی‌اندازه ساده است از این رو، دولت اسلامی مانند دولتهای غیر اسلامی و طاغوتی نیاز آنچنانی به پول ندارد، و به همین خاطر است که هم مردم در سایه حکومت اسلامی خوشبختند و مالیات هنگفتی نمی‌پردازند، و هم دولت وضع مرتبی دارد و همیشه سبکبار است. س: آزادی در اسلام چگونه است؟ ج: وقتی تشکیلات دولتی در اسلام بی‌نهایت ساده باشد، طبعاً، همه گونه آزادی برای مردم تضمین می‌شود. کشاورزی، بازرگانی، حرفه و صنعت، مسافرت، ساختمان، اقامت، تصرف زمینهای مباح و غیره هیچ قید و شرطی ندارد. مالیات و عوارض وجود ندارد، کار اجباری و بیگاری ـ مانند نظام وظیفه ـ وجود ندارد، نیازمندیهای مردم به ساده‌ترین شکل مرتفع می‌شود، قضاوت فوق‌العاده ساده انجام می گیرد، خرید و فروش و قرارداد رهن و اجاره و امثال آن به سرعت صورت می‌پذیرد، همه مراسم و تشریفات خرید و فروش‌های مهم در همین خلاصه می‌شود که فروشنده می گوید: فروختم و خریدار می گوید: خریدم و یک کاغذ عادی نوشته می‌شود و دو شاهد آن را امضاء می کنند. س: اسلام مشکلات اجتماعی را چگونه حل می کند؟ ج: اولاً، اسلام فقط مشکلات اساسی را بعنوان مشکل می‌شناسد. ثانیاً، اسلام هیچگونه مالیاتی بر کالا و کار وضع نمی کند. ثالثاً، تشکیلات دولتی بسیار ساده و محدود است. از این رو به مجرد آنکه حکومت اسلامی در منطقه‌ای برقرار شود بسیاری از مشکلات موجود در جوامع بشری امروزی، خودبخود مرتفع می گردد و تنها مشکلات اساسی و اولیه باقی می‌ماند. گرفتاریهای روزمره دولت هم عبارت است از تعدادی مرافعات از قبیل درگیری بر سر مالکیت یک خانه، معدودی جنایات از قبیل دزدی و گاهی قتل و چند فقره خلاف قانون مانند شرابخواری. این مشکلات را هم اسلام به سرعت هرچه تمامتر حل می کند و نمی گذارد بصورت مسئله در آیند. مرافعه‌ها بسرعت پایان می‌پذیرند. یک نفر قاضی برای یک شهر بزرگ کفایت می کند. قاضی شخصاً دعواها را فیصله می‌دهد، امور ایتام و اوقاف و غیره را رأساً سرپرستی می کند، برخرید و فروش‌ها و کلیه معاملات دیگر نظارت می کند و فقط یک نفر مجری حدود اسلامی دارد که حدود اسلام را اجرا می کند. زندان در دولت اسلامی بسیار محدود است. بی‌مبالغه، می‌توان گفت دولت اسلامی مشکلی ندارد. و پرواضح است که وقتی مشکلات اجتماعی از جامعه‌ای رخت بربندد، مردم با خیال راحت به کارهای روزمره و گرفتاریهای زندگی خودشان می‌پردازند. س: اسلام، چگونه یک جامعه مترقی می‌سازد؟ ج: نظام حکومتی اسلام با استفاده از سه رمز، ترقی و تکامل ملت مسلمان را به اوج پیشرفتهای مادی و معنوی می‌رساند: ۱ ـ سادگی تشکیلات. ۲ ـ تشویق. ۳ ـ تعاون. ۱ ـ سادگی تشکیلات: تاریخ نویسان آمار کارمندان را در دولت‌های اسلامی به دست داده‌اند. بر اساس این آمارها، نسبت تعداد کارمندان دولت به جمعیت کشورهای اسلامی ۵۰ نفر در یک میلیون نفر است (یعنی: نیم درصد)! اسلام بسیاری از تشکیلات و تجهیزات دولتهای امروزی را قبول ندارد. تشکیلات دولتی اسلام گرفتاریهای مردم را با کمال سادگی و در اسرع وقت فیصله می‌دهند. در مدیریت اسلامی، سازمانهای گوناگون و طول و تفصیل وجود ندارد که کارمندان بسیاری بخواهد، بیشتر کارها به خود مردم واگذار می‌شود. حکومت اسلامی چون از استبداد بدور است، تشکیلات و تجهیزات فراوان هم لازم ندارد. حکومت اسلامی نیازی به این ندارد که هم بار دولت را سنگین کند و هم در کارهای مردم دخالت بیجا بکند. ۲ ـ تشویق: اسلام بصورت بی‌نظیری مردم را به علم و عمل تشویق می کند، و دانش جویی را بر هر فرد مسلمان فیض می گرداند، و ثواب اخروی عالم با عمل را بی‌حساب می‌داند. مسلمانان از دو نیروی پیش برنده برخوردارند: یکی نیروی دنیوی و مادی که دیگران هم کم و بیش دارند، دوم، نیروی دینی و معنوی که دیگران از آن محرومند، خداوند سبحان می‌فرماید:

(و ترجون من الله مالا یرجون)(۲). ۳ ـ تعاون: دولت اسلامی با مردم همکاری مستقیم دارد. دولت اسلامی و ملت مسلمان دست در دست یکدیگر جامعه را به پیش می‌برند. یکی از سفارش‌های مولای متقیان امیر مؤمنان (ع) به مالک اشتر در فرمان معروف آن نحضرت به مناسبت تفویض فرمانداری مصر به مالک در همین زمینه است. بدیهی است، وقتی جامعه‌ای در پرتو اسلام، این چنین زمینه برای ترقی و تعالی داشته باشد، جامعه اسلامی بصورتی باور نکردنی مراحل پیشرفت مادی و معنوی را می‌پیماید. این بود، مختصری در باره اسلام و سیاست و ما در کتاب جداگانه‌ای به تفصیل در این باب، به بحث و بررسی پرداخته‌ایم.

۱ ـ نویسنده محترم در این زمینه۳ کتاب نگاشته‌اند که به چاپ هم رسیده است: (الحکم فی‌الاسلام) و (الی حکم الاسلام) و (هکذا حکم الاسلام) که سومی تحت عنوان آئین نامه جمهوری اسلامی به فارسی چاپ و منتشر شده است. ناشر. ۲ ـ سوره نساء: آیه ۱۰۴.

اسلام و روابط اجتماعی

اسلام و روابط اجتماعی

س: روابط اجتماعی در اسلام چگونه است؟ ج: هر جامعه از تعدادی جوامع کوچك و بزرگ نظیر خانواده تشکیل می‌شود و رژیم حاکم بر هر جامعه با وضع قوانین و مقرراتی روابط افراد جامعه را با یکدیگر در این جوامع کوچکتر مشخص می‌کند. رژیمهای طاغوتی هیچگاه تمایلات ذاتی و فطری انسانها را در نظر نمی‌گیرند و روابط اجتماعی را به سود خودشان بر مردم تحمیل می‌کنند. اما اسلام، از آنجا که دین فطرت است، تنها با برانگیختن تمایل فطری انسانها به نیکی و پاکی و نفرت باطنی از آلودگی و پلیدی روابط اجتماعی را تنظیم می‌کند. هر جامعه را می‌توان متشکل از واحدهای کوچکتر اجتماعی زیر دانست: ۱ ـ خانواده. ۲ ـ زمین‌دار و کشاورز. ۳ ـ فروشنده و خریدار. ۴ ـ دانش‌آموز و آموزگار. ۵ ـ اجتماعات مذهبی. ۶ ـ سفرهای حج و زیارت. ۷ ـ سازمانهای دولتی. ۸ ـ مجالس عمومی. ۹ ـ یگان‌های نظامی. ۱۰ ـ دولت و ملت. اسلام، برای هریک از این واحدهای اجتماعی مقررات و آداب و رسوم خاصی ارائه کرده است. ۱ ـ خانواده: در خانواده هرکس وظیفه‌ای دارد. مرد و زن هر کدام وظایفی دارند و هر دو بایکدیگر نسبت به فرزندانشان وظایفه‌ای دارند، فرزندان هم نسبت به پدر و مادر وظایفی دارند و خویشاوندان نیز نسبت به یکدیگر وظایفی، این وظایف اختصاص به یک موقع معین و یک مورد خاص ندارد. همه جا و همه وقت و در همه موارد عمومیت دارد. بعضی از این وظایف واجب، بعضی مستحب، بعضی حرام، بعضی مکروه و بعضی هم مباح. اسلام برای ازدواج و روابط زناشویی، مسئولیت شوهر برای تأمین مخارج خانواده، تمکین زن از شوهر، اخلاق خانوادگی، روش تربیت فرزندان، نامگذاری فرزندان و نیز مسائل دیگر مربوط به خانه و خانواده، مقررات جامعی وضع کرده است. ۲ ـ زمین دار و کشاورز: در اسلام، برای کلیه مسائل مربوط به کشاورزی، آداب و شرایط و حقوق و وظایفی مشخص شده است. مزارعه و مساقات که دو مبحث از مباحث حقوقی اسلام است، شامل احکام مربوط به قراردادهای منعقده میان مالك زمین و کشاورز و اجیر گرفتن برای آبیاری مزارع و باغات است و به موضوعاتی از قبیل تعیین سهم کشاورز، کیفیت اجیر کردن کشاورز، حقوق کشاورز، و حقوق زمین داران و غیره می‌پردازد. ۳ ـ فروشنده و خریدار: اسلام برای هرنوع داد وستد، طرفین معامله و آداب معاملات، شرایط و مقررات بخصوصی وضع کرده است. احکام معاملات در فقه اسلام شامل انواع داد و ستد، خرید و فروش، رهن و اجاره و غیره می‌باشد. ۴ ـ دانش‌آموز و آموزگار: آموزش و پرورش در اسلام از جهات مختلف مورد توجه بوده است. اسلام شرایط معلم، آداب شاگردی، چگونگی درس و هدف واقعی تحصیل علم را بطور کامل بیان فرموده است. اهمیت تعلیم و تربیت در اسلام به حدی است که مرحوم شهید ثانی(ره) در این

زمینه کتابی تألیف کرده است بنام (منیه المرید فی‌آداب المفید والمستفید)(۱) و کلیه مسائل مربوط به تعلیم و تربیت را از دیدگاه اسلام و قرآن و مکتب اهلبیت (ع) مورد بررسی قرار داده است. ۵ ـ اجتماعات مذهبی: اسلام، عبادات را از هر جهت مورد توجه قرار داده است از جمله، آداب تجمع برای عبادت، عبادتگاهها، خصوصیات مسجد، شرایط امام جماعت، آداب معاشرت مؤمنان با یکدیگر و روابط امام و مأموم را به تفصیل بیان کرده است. ۶ ـ سفرهای حج و زیارت: موسم حج، موسم زیارت پیغمبر اکرم (ص) و هریک از ائمه طاهرین (ع) در اسلام تعیین شده است و کلیه شرایط و آداب و خصوصیات مربوط به آن مورد توجه قرار گرفته است. (کتاب الحج) جواهر، (کامل الزیارات) و (کتاب المزار) بحارالانوار، را می‌توان نام برد. ۷ ـ سازمانهای دولتی: خصوصیات اطرافیان حاکم، شرایط قاضی و همکارانش و دیگر خصوصیات مربوط به کارمندان و اعضای سازمانهای دولت، بطور کامل در اسلام مورد توجه می‌باشد. ۸ ـ مجالس عمومی: مانند مجالس عروسی و سوگواری و امثال آن. اسلام به تفصیل به بیان آداب و چگونگی برگزاری و دیگر مسائل مربوط به این گونه مجالس پرداخته است و علمای اسلام، در کتابهای خود فصلی را به این مباحث اختصاص داده‌اند، بنام (کتاب العشره). ۹ ـ یگانهای نظامی: آداب بسیج و راحت باش، اطاعت سربازان و سپاهیان از امرای ارتش و روابط امراء با لشکریان به تفصیل در شرع مقدس اسلام بیان شده است و مباحثی از فقه اسلام به عنوان (کتاب الجهاد) به این مسائل اختصاص دارد(۲). ۱۰ ـ دولت و ملت: اسلام وظایف ملت نسبت به دولت، وظایف دولت نسبت به ملت و بطور کلی روابط دولت و ملت را دقیقا مورد توجه قرار داده است. مباحث مذکور که امروزه علم مستقلی را با عنوان جامعه‌شناسی تشکیل می‌دهند، چهارده قرن پیش توسط پیشوایان اسلام مطرح شده و به تفصیل بیان شده است و از هر حیث بقدری کامل است که شاید بتوان گفت افزودن بر آن ممکن نیست! جامعه اسلامی دارای امتیازات زیر است: ۱ ـ در جامعه اسلامی فساد راه ندارد. ۲ ـ در جامعه اسلامی همه نسبت به یکدیگر اعتماد متقابل دارند. ۳ ـ در جامعه اسلامی همه از آرامش و اطمینان خاطر برخوردارند. اینها همه، آثار رهنمودهای حیاتبخش اسلام است که اگر انسانها به کار بندند و برنامه زندگی خود قرار دهند، در پرتو اسلام در دنیا و آخرت سعادتمند خواهند گردید.

۱ ـ این کتاب توسط آقای سید محمود موسوی با نام (سراج المبتدئین فی‌علوم آل محمد المعصومین (ع)) به فارسی ترجمه شده است که در سال۱۳۹۸ ق برای بار دوم در اصفهان به چاپ رسیده است. ۲ ـ در این زمینه کتاب (الجهاد) توسط نویسنده محترم همین کتاب نوشته شده و به چاپ رسیده است. ناشر.

حقوق اسلامی

حقوق اسلامی

س: آیا احکام اسلام همه مسائل زندگی را دربر می‌گیرد؟ ج: آری، اسلام برای همه جنبه‌های زندگی انسان احکامی مقرر فرموده است، و احکام اسلام در نهایت دقت و تناسب و هماهنگی وضع شده است. اسلام برای هر موضوع کوچک و بزرگی که به زندگی انسانها مربوط می‌شود، مقررات ویژه‌ای دارد. کتاب جواهرالکلام در فقه اسلام، محتوی نزدیک به شصت هزار (۶۰۰۰۰) قانون شرع مقدس اسلام است که از کتاب، سنت، اجماع و عقل استنباط شده است. س: حقوق اسلام شامل چه مباحثی است؟ ج: فقه اسلام به کلیه مسائل مربوط به زندگی انسان ارتباط پیدا می‌کند و برای کلیه موارد اعم از جزئی و کلی احکام و مقرراتی دارد از جمله: ـ احکام معاملات: خرید و فروش، رهن و اجاره. ـ احکام زراعت: زمین، کشاورزی، آبیاری. ـ احکام قضاوت: دادرسی،

گواهی دادن، دادخواهی، مصالحه. ـ احکام ازدواج و طلاق، ارث و وصیت. ـ احکام جنایات، دیات، حدود شرعی، قصاص. ـ احکام ضمانت، عاریه، ودیعه، حواله. ـ احکام صلح و جنگ، پیمانها و دیگر امور مربوط به کشورداری. س: چگونه چنین چیزی ممکن است که قوانین و مقرراتی که چهارده قرن پیش وضع شده است، با نیازهای امروزی بشر منطبق باشد و راه حل مشکلات دنیای امروز باشد؟ ج: پیش از این (در فصل اول کتاب) گفتیم که اسلام یک دین آسمانی است و برای هدایت همه افراد بشر آمده است و از آنجا که علم الهی به گذشته و آینده بشر احاطه دارد، اسلام نیز می‌تواند برنامه زندگی انسانها تا ابد باشد. مگر شما نمی‌گویید در قانونهای زمینی و بشری تحول جوامع و تکامل انسانها در نظر گرفته شده و آینده‌نگری هایی صورت گرفته است؟ ما هم می‌گوییم خداوند متعال به مراتب بهتر از حقوقدانان شما توانسته آینده بشر و تحولات جوامع بشری را در تشریع قوانین در نظر بگیرد. اسلام دو نوع قانون دارد: ۱ ـ قوانین موضوعی که هیچ زمان و مکانی قابل تغییر نیستند مانند این قانون: (شرابخواری حرام است). ۲ ـ قوانین کلی که در هر زمان و مکان قابل پیاده شدن است، مانند این قانون: (استعمال هرنوع ماده مست کننده‌ای حرام است). روی هریک از مسائل اجتماعی امروزه که انگشت بگذارید. اگر اسلام بخصوص در باره آن حکمی نداشته باشد، حتماً مشمول یک قانون کلی فقه اسلام خواهد بود. س: مثلاً، در مورد بانک و بیمه و سلاح‌های اتمی چه می‌گویید؟ ج: برای کسی که اطلاع مختصری از فقه اسلام داشته باشد جواب این سئوال روشن است: ـ بانک محلی است برای انجام اموری از قبیل حواله، ضمانت، وام بازرگانی، ودیعه و ربا که همه در فقه اسلام مورد بحث قرار گرفته‌اند و اسلام به بیان همه اطراف و جوانب این موضوعات پرداخته است. ـ بیمه مشمول آیه شریفه (یا ایهاالذین آمنوا اوفوا بالعقود)(۱) است که هرگونه قراردادی را معتبر اعلام داشته و اجرای مفاد قرارداد را برای اهل ایمان واجب گردانیده است. ـ سلاحهای اتمی هم اگر برای دفاع لازم باشد، مشمول این قانون کلی اسلام است که در قرآن کریم آمده است: (واعدوا لهم ما استطعتم من قوهْ)(۲) و به موجب آن مسلمانان موظف شده‌اند که خود را از هر حیث در برابر دشمنان اسلام مجهز سازند.

۱ ـ سوره مائده: آیه ۱. ۲ ـ سوره انفال: آیه ۶۰.

شبختی در سایه اسلام

خوشبختی در سایه اسلام

س: اسلام چگونه خوشبختی دنیا و سعادت آخرت انسانها را تضمین می‌کند؟ ج: همه مطالب این کتاب پاسخگوی همین سؤال بود. در اینجا فهرست وار، آثاری را که عمل به اسلام برای فرد و جامعه در بر دارد، بر می‌شماریم: ۱ ـ اعتقادات دور از خرافات و انحرافات و هماهنگ با فطرت انسانی و دلایل عقلی را به انسان می‌دهد. ۲ ـ روح پیراسته از کینه و دشمنی و آلودگی‌های دیگر و آراسته به آرامش و متانت و عدالت و استقامت برای انسانها به ارمغان می‌آورد. ۳ ـ در سایه لوای حکومت اسلامی، دنیا به صورت یک خانواده در می‌آید. تعاون و اعتماد متقابل بر همه روابط اجتماعی حکمفرما است و بهره‌برداری از منابع ثروت در خشکی و دریا و فضا بدون تبعیض و تفرقه و اختلاف، انجام می‌گیرد. ۴ ـ دانش، سلامتی، ثروت، فضیلت، خدمت به خلق، کار و کوشش و آباد کردن اراضی جایگزین نادانی، بیماری، تهیدستی، رذائل اخلاقی، جنایات بیکاری و ویرانگری شده است. ۵ ـ آزادی و آزادگی و ارزش و اعتبار انسان جای خود را در یک جامعه اسلامی براحتی باز می‌یابد. در قرآن کریم آمده است: (و لقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی‌البر والبحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً)(۱) یعنی: ما آدمی زادگان را

گرامی داشته‌ایم و خشکی و دریا را قلمروشان قرار داده‌ایم، و روزی پاکیزه به آنها ارزانی کرده‌ایم و بر بسیاری از آفریدگانمان برتری بخشیده‌ایم. خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم براین مطلب تأکید فرموده است که خداوند جهان آفرینش را مسخر انسان قرار داده است. ارزش انسان در نظر اسلام، آن اندازه است که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: (انه من قتل نفسا بغیر نفس او فساد فی‌الارض فکانما قتل الناس جمیعا)(۲) یعنی: که هرکس بکشد انسانی را بدون آن که قاتل باشد یا در روی زمین فساد کرده باشد، مانند آن است که همگی مردم را کشته باشد! ۶ـ صلح جهانی برقرار می‌شود و امنیت همه جا را فرا می‌گیرد. ۷ـ ترقی و تعالی بشر در همه جوانب زندگی مادی و معنوی تضمین می‌شود. ۸ـ عدالت در سازمانهای دولتی و در جامعه اجرا می‌شود. ۹ـ همه وظیفه خودشان را انجام می‌دهند، و براحتی به حقوقشان می‌رسند. ۱۰ـ اسلام همه مشکلات گوناگون بشر را حل می‌کند. این با نهایت اختصار نموداری از زندگی سعادتمندانه بشر در سایه تعالیم عالیه و معارف اسلام است، که سعادتی بالاتر از آن به تصور در نمی‌آید. از این گذشته، یکی از پایه‌های خوشبختی انسان در این جهان، نوید آینده‌ای درخشان برای بشریت است که با چنان نویدی، انسان همه مصائب را تحمل می‌کند و خم به ابرو نمی‌آورد و این از امتیازات اعتقاد و ایمان به خدا است. به همین جهت است که در وجود غیرتمندترین و حماسی‌ترین میهن‌پرستان جهان، نیمی از تحرک، بی‌باکی، اراده، نشاط، اطمینان خاطر و آرامش یک فرد مؤمن به خدا و آخرت را نمی‌بینیم. تاریخ گواه خوبی براین مدعا است. از خداوند متعال خواستارم که همه ما را برای کارهایی که موجب خشنودی او است، توفیق عنایت فرماید. و هوالمستعان.

کربلاء المقدسه محمد بن المهدی الحسینی الشیرازی

۱ـ سوره بنی اسرائیل: آیه ۷۰. ۲ـ سوره مائده: آیه ۳۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه

مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم مـا که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹